

بررسی و تحلیل روشهای مقابله با چشم زخم در روایات شیعه



اسماعیل اثباتی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/DUA.2024.29928.1100

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷

چکیده

باور به تأثیر چشم زخم از باورهای شایع بین اقوام گوناگون است. از دیرباز مردم برای جلوگیری و دفع آسیب‌های ناشی از چشم بد دست به اقدامات گوناگونی می‌زدند. این نوشتار در صدد پاسخ به این سؤال است که در فرهنگ اسلامی چه راهکاری برای رویارویی با این چالش ارائه شده است. به این منظور با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و منابع کتابخانه‌ای میراث روایی شیعه‌پژوهیده، روایات مرتبط گردآوری، تحلیل و بررسی شده و میزان اعتبار هر یک مشخص شده است. در فرهنگ دینی، مهم‌ترین روش جلوگیری از چشم زخم و درمان ناشی از آن، مبتنی بر دعا و ارتباط با خدا پیشنهاد شده است. اما بیشتر دعاهاى مقابله با چشم زخم دچار آسیب‌های متنی و سندی هستند که اعتماد به آنها را کاهش می‌دهد. طب الائمه (ع)، مکارم الاخلاق و برخی منابع متأخر مانند مصباح کفعمی و بحار الانوار بیشترین میزان روایات و ادعیه مربوط به چشم زخم را گزارش کرده‌اند. بخش قابل توجهی از این روایات از منابع اهل سنت أخذ و اقتباس شده‌اند. بخشی از دعاهاى دفع یا درمان چشم زخم که از نظر محتوایی مقبول هستند، می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند.

کلیدواژه‌ها: چشم زخم، درمان، مقابله، روایات شیعه، تعویذ

۱- استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران. esbati@atu.ac.ir

۱. مقدمه

باور به تأثیر آسیب‌زای ناشی از نگاه بعضی از انسان‌ها یا حیوانات را چشم زخم گویند. این عقیده در میان فرهنگ‌ها و اقوام متعددی در سرتاسر جهان رایج است و رفتار میلیون‌ها نفر را در سرتاسر جهان تحت تأثیر قرار داده است و نشانه‌های آن را به‌ویژه در هند، دنیای عرب و حلقه اطراف دریای مدیترانه و امریکا به‌راحتی می‌توان دید (داندس، ۱۳۹۴ش: ۱۵-۱۷) تا جایی که برخی معتقدند ۴۰ درصد مردم جهان این باور را پذیرفته‌اند (مدخل چشم زخم، دانش‌نامه آزاد ویکی‌پدیا). این نظریه از دیرباز مخالفانی نیز داشته است. در بین مسلمانان برخی مانند ابوعلی جبائی (۳۰۳ق) متکلم معتزلی، این باور را عامیانه و خرافی دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۹: ۶ / ۱۶۷). مشهورترین نظر در بین علمای مسلمان پذیرش پدیده چشم زخم است. آن‌ها برای اثبات مدعای خود علاوه بر تجربیات شخصی افراد گوناگون به برخی آیات قرآن (یوسف، ۶۷؛ قلم، ۵۱ و ۵۲؛ فلق، ۵) و روایات استناد می‌کنند (فخر رازی، بی‌تا: ۳۰/۱۰۰؛ طباطبایی، بی‌تا: ۱۹ / ۳۸۸). یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها که در پی پذیرش تأثیر چشم زخم مطرح می‌شود، روش مقابله با این آسیب است. در این بخش هم در میان اقوام و فرهنگ‌های مختلف، روش‌های گوناگونی وجود دارد؛ از جمله استفاده از مهره‌های آبی رنگ، نمادهای چشم و پنج انگشت (وستر مارک، ۱۳۹۶: ۶۹ - ۹۵) در فرهنگ دینی نیز دستورالعمل‌هایی در این زمینه یافت می‌شود. سعدی چاره‌اندیشی مردی برای دفع چشم زخم از کشتزارش را چنین حکایت کرده است:

یکی روستایی سقط شد خرش	علم کرد بر تاک بستان سرش
جهان‌دیده پیری بر او برگذشت	چنین گفت خندان به ناطور دشت
مپندار جان پدر کاین حمار	کند دفع چشم بد از کشت‌زار
که این دفع چوب از سر و گوش خویش	نمی‌کرد تا ناتوان مرد و ریش

(سعدی، ۱۳۵۹ش: ۱۳۰)

سعدی بر این فرد خرده می‌گیرد که چرا برای دفع چشم زخم دست به چنین کاری زده است و به ظاهر استدلالی عقلانی مطرح می‌کند که حیوانی را که در زمان زنده بودن قدرت دفاع از خود و دفع آفات از خودش نداشت، چگونه اکنون که از دنیا رفته است، می‌تواند آفت چشم زخم را از کشت‌زاری دفع کند؟ نظیر بحث بالا در روایات نیز شواهدی وجود دارد که در میان مردم عامی چنین رفتاری‌هایی گزارش شده است. مانند:



«... عن عمر بن علي بن حسين ان رسول الله صلى الله عليه وسلم أمر بتلك الجماجم تجعل في الزرع من أجل العين، رسول خدا(ص) امر کرد به(قرار دادن) جمجمه‌هایی در زراعت به جهت چشم(بیهقی، بی تا: ۶/ ۱۳۸).

گرچه سند این روایت منقطع است (همان) و عمر بن علی بن حسین (علیهما السلام) مشخص نکرده است که روایت را از چه طریقی از رسول خدا گزارش می کند؛ اما گزارش دیگری نیز با این مضمون وارد شده است.

«... عن علي يعني ابن أبي طالب: أن النبي صلى الله عليه وسلم أمر بالجماجم أن تنصب في الزرع، قال: قلت: من أجل ماذا؟ قال: من أجل العين. از علی بن ابی طالب روایت شده که پیامبر(ص) امر کرد به نصب جمجمه‌هایی در مزرعه، پرسیدم برای چه؟ فرمود: برای چشم» (هیثمی، ۱۴۰۸ق: ۵/ ۱۰۹).

اما این روایت هم به وسیله هیثم بن محمد بن حفص و یعقوب بن محمد زهری که هر دو ضعیف هستند، نقل شده است (هیثمی، همان) برخی دیگر از عالمان اهل سنت نیز به ضعف سند این روایت اذعان کرده‌اند (صالحی شامی، ۱۴۱۴ق: ۱۲/ ۱۶۸).

روایات بالا به وضوح نشان گر آنند که عوام مردم تحت تأثیر برخی روایات موجود در منابع در مقابله با چشم زخم راهکارهایی ولو غیر عقلایی بر می گزیدند تا از شرور چنین نگاه‌هایی در امان بمانند و این گزارش‌ها نمایان گر خرده فرهنگ‌هایی در میان مسلمانان بوده که به نحو شایسته مورد مذاقه و پژوهش قرار نگرفته است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

غریبان چشم زخم را از نگاه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، چشم‌پزشکی، فرهنگ عامه، هنر و... بررسی کرده و آثار متعددی خلق کرده‌اند (داندس، چشم زخم: ۲۸۴-۲۸۶). در جوامع اسلامی مفسران این موضوع را در تفسیر برخی آیات قرآن (یوسف، ۶۷؛ قلم، ۵۱ و ۵۲) مورد توجه قرار داده و محدثان روایات مرتبط را در ابوابی گرد آورده‌اند (متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ۶/ ۷۴۴-۷۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۶۰/ ۲۷-۱). مطالعات متعددی باور به چشم زخم را از نگاه آیات قرآن مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما روایات این موضوع کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. کامل‌ترین گردآوری از آن علیرضا ملاحسنی است که در کتاب «چشم زخم در قرآن، روایات، تاریخ و فرهنگ» (قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰)، با استفاده از منابع متاخر برخی روایات این موضوع را ذکر کرده، اما به میزان اعتبار روایات توجه نداشته و همه آن‌ها را پذیرفته است. مهدی اکبرنژاد و روح الله محمدی در مقاله «کنکاشی در مقوله شورچشمی (چشم زخم) در قرآن

و روایات» (تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال ششم، شماره دوم، ۱۳۸۸: ۶۷-۹۰) و روح الله علی نژاد عمران در مقاله «بازشناسی حقانیت چشم زخم از منظر قرآن، روایات و دانش پزشکی» (مجله قرآن و طب، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹) بیشتر بر مسئله حقانیت چشم زخم متمرکز شده‌اند. اصغر کریمی رکن‌آباد اهتمام خود را بر «آسیب‌شناسی پدیده چشم زخم در جامعه اسلامی در پرتو آیات قرآن» قرار داده است (کتاب قیم، شماره سیزدهم، ۱۳۹۴: ۷۳-۹۲). بر اساس جستجوهای نگارنده، تحقیقی که تمرکز خود را بر مسئله بررسی روش‌های مقابله با چشم زخم بر اساس منابع روایی قرار داده باشد یافت نشد.

روایات مربوط به چشم زخم در منابع اهل سنت به‌وفور یافت می‌شوند و محدثان از قرون اولیه در منابع روایی خود ابواب جداگانه‌ای را به این روایات اختصاص داده‌اند. آن‌ها معمولاً یک باب را به حقانیت چشم زخم و یک باب را به تعویدهای چشم زخم اختصاص داده‌اند (برای نمونه رک: بخاری، ۱۴۰۱: ۲۳-۲۴. مسلم، بی‌تا: ۱۳/۷-۱۹. ابن ماجه، بی‌تا: ۱۱۵۹/۲-۱۱۶۲). در منابع متأخر و کتاب‌های روایات طبی این موضوع با تفصیل بیشتر آمده است (متمی هندی، ۱۴۰۹: ۷۴۴/۶-۷۴۶؛ ابن قیم، بی‌تا: ۱۲۷-۱۳۶). در این نوشتار تمرکز بحث بر روایات شیعی است، هر چند در ریشه‌یابی روایات مشخص می‌شود که بخشی از این روایات از منابع اهل سنت وارد فرهنگ حدیثی شیعه شده‌اند.

۲-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به گستردگی این باور در میان مردم خصوصاً جوامع مذهبی و استناد روشهای گوناگون مقابله با چشم زخم به منابع دینی لازم است این مسئله بررسی شود تا مشخص شود که کدام یک از این اقدامات، دعاها و اذکار پشتوانه دینی قابل اعتمادی دارد و می‌توان به استناد منابع دینی به آن‌ها عمل کرد. این پژوهش گامی کوچک در راستای زدودن خرافات از فرهنگ اسلامی است.

۳-۱. روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است به این منظور، روایات این موضوع به صورت کامل جمع‌آوری و دسته‌بندی و منبع هر روایت مشخص شده است. علاوه بر آن، میزان اعتبار روایات با توجه به سند روایت و میزان اعتبار منبع مورد ارزیابی قرار گرفته است. از نکات دیگر این نوشتار، یافتن اصلی‌ترین و کهن‌ترین منبع و تلاش برای ردیابی روایات در طول زمان است که مشخص می‌کند این روایت از چه منبعی وارد منابع دیگر شده است.



۱- ۴. مفاهیم

چشم زخم: آسیبی را که بر اثر نگرستن برخی افراد یا جانوران به انسان‌ها، جانوران یا اشیای دیگر ممکن است به آن‌ها وارد شود، چشم زخم نامیده‌اند. این آسیب به صورت ناخودآگاه و در هنگام حسادت یا خوشحالی وافر از خوبی چیزی حاصل می‌شود. این ویژگی در همه انسان‌ها یافت نمی‌شود و صاحبان چنین چشمانی را بدچشم یا شورچشم دانسته‌اند (در این باره نک: موسی‌پور، ابراهیم، مدخل چشم زخم در دانش‌نامه جهان اسلام: ۵۴۷۹/۱ و بلوکباشی، علی، مدخل چشم زخم در دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۳۲۳/۱۹-۳۲۹).

تعویذ(عوذَه): از ریشه(ع و ذ) به معنای پناه بردن است. شیء یا مکتوبی که انسان‌ها به وسیله آن با پناه بردن به خدا یا برخی موجودات مانند جنیان خود را از شر آفات و بدی‌ها مصون می‌دارند. تعویذ ممکن است خوانده یا نوشته شود و عبارات آن معمولاً متأثر از آیات قرآن و دعاها است؛ اما گاهی از عبارات، حروف، اعداد یا اشکال خاصی نیز استفاده می‌شود. تعویذ شامل رقیه و ... نیز می‌شود و ممکن است مشروع یا غیرمشروع باشد (ابن منظور، ۴۹۹/۳، عبدالرحمن عبدالمنعم، بی‌تا: ۴۴۷/۱).

رُقِیَّة: از ریشه (رقی) است ابن فارس آن را دارای سه معنای متفاوتِ بالا رفتن، تعویذ و نوعی بقعه دانسته است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴۲۶/۲)؛ اما صاحب التحقیق فی کلمات القرآن معنای اصلی این ریشه را بالا رفت و علو دانسته است و بر این باور است که تعویذ را از آن رو رقیه گفته‌اند که باعث بهبودی اوضاع بیمار و از بین رفتن ضعف و سستی او می‌شود که نتیجه آن برخاستن از بستر بیماری است (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۲۰۴/۴) و برخی آن را مترادف با تعویذ (ابن منظور، ۴۹۹/۳) و برخی اخص از تعویذ دانسته‌اند (عبدالرحمن عبدالمنعم، بی‌تا: ۱۷۳/۲)، ابن اثیر بر این باور است که رقیه نوعی تعویذ است که با آن فرد مبتلا به تب، سردرد یا بیماری‌های دیگر را مداوا می‌کنند. روایاتی در جواز آن و روایاتی در نهی آن آمده است. وجه جمع این روایات این است که رقیه‌هایی که عربی نباشد و به جز اسماء خدا و کلام الهی نازل شده بر پیامبران باشد، نهی شده است. هم چنین، نهی شده که به رقیه اعتماد کامل داشته و بر آن توکل شود؛ چنان‌که فرموده: ما توکل من استرقی. هم چنین از رقیه‌هایی که معنا و مفهوم آن‌ها مشخص نیست، نهی شده است. اما رقیه‌های برگرفته از قرآن و مروی از پیامبر(ص) جایز است (ابن اثیر، ۱۳۶۴ش: ۲۵۵/۲).

۲. روش های مقابله با چشم زخم

در فرهنگ های مختلف برای دفع چشم زخم راهکارهای متفاوتی ارائه شده است. استفاده از حرز، تعویذ یا رقیه یکی از روش های مرسوم در این زمینه است.

۲-۱. جواز رقیه برای چشم زخم

از برخی روایات جواز تهیه رقیه برای چشم زخم استفاده می شود.

۲-۱-۱- شیخ صدوق از ابن ولید از صفار از ابراهیم بن هاشم از نوفلی از سکونی از امام صادق (ع)

از پیامبر (ص) چنین آورده است:

لَا رُقَى إِلَّا فِي ثَلَاثَةٍ فِي حُمَةٍ أَوْ عَيْنٍ أَوْ دَمٍ لَا يَزُقُّ، رَقِيه (جایز یا مؤثر) نیست، مگر برای سه چیز: زهر نیش داران (تب)، چشم زدن و خونی که بند نیاید (صدوق، ۱۳۶۲: ۱۵۸).

حمه از حم به معنای حرارت یا حمه السنان یعنی تیزی نیزه گرفته شده است. چشمه های آب گرم را حَمَّه نامیده و حمیم به معنای آب گرم، حُمَّه (جمع به صورت حُمَم) به معنای تب و حمام نیز از این ماده است. از سوی، حُمَّه به معنای نیش یا سم ناشی از نیش گزندگانی مانند عقرب نیز به کار می رود (ابن اثیر، ۱۳۶۴ ش: ۴۴۵/۱-۴۴۶).

ابن اثیر بر این باور است که روایت نبوی «لا رقية إلا من عين أو حمة» مانند روایت «لا فتى إلا على» است و به این معنا است که هیچ رقیه ای شایسته تر و نافع تر از این رقیه نیست (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۲/۲۵۵).

نوفلی متهم به غلو (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۷) و سکونی از راویان اهل سنت است که شیعیان به روایاتش عمل کرده اند (طوسی، الف ۱۴۱۷: ۱/۱۴۹، حلی، ۱۴۱۷: ۳۱۶)، از این رو، روایت صحیح السند نیست. این روایت با اندکی اختلاف در الفاظ در کتاب الجعفریات گزارش شده است (رک: نوری، ۱۴۰۸: ۹۱/۲). اما برخی این کتاب را نامعتبر و استنادش به مؤلف را ثابت شده نمی دانند (نجفی، ۱۳۶۵: ۳۹۸/۲۱).

قاضی نعمان بدون ذکر منبع و سند این روایت را نقل کرده است (قاضی نعمان، ۱۴۱/۲، مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸/۶۰). در منابع اهل سنت این روایت نقل شده است (حاکم نیشابوری، بی تا: ۴/۴۱۳، طبرانی، بی تا، ۲۵۴/۱). طبرسی بدون سند و منبع از پیامبر نقل کرده است: «لا رقية إلا من حمة و العين حق» که احتمالاً از منابع اهل سنت گرفته است (طبرسی، ۱۳۹۲: ۳۸۶). مجلسی از شهاب الاخبار قاضی قضاعی (م ۵۴۵ق) که از منابع اهل سنت است، چنین آورده: لا رقية إلا من حمة أو عين (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴/۶۰).



در این روایت استفاده از رقیه برای پیشگیری از چند آسیب خاص منحصر شده است که احتمالاً برای تأکید بر این موارد است، چنان که روایت بعدی از جواز استفاده از رقیه در این موارد سخن گفته است.

۲-۱-۲ در طب الائمه (ع) از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است:

«إِبْرَاهِيمُ بْنُ مَأْمُونٍ قَالَ: حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ عِيسَى عَنْ سُعَيْبِ الْعَقْرَقُوفِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَا بَأْسَ بِالرُّقَى مِنَ الْعَيْنِ وَالْحُمَى وَالضَّرْسِ وَكُلِّ ذَاتِ هَامَةٍ لَهَا حُمَةٌ إِذَا عَلِمَ الرَّجُلُ مَا يَقُولُ لَا يُدْخِلُ فِي رُقِيَّتِهِ وَغُودَّتِهِ شَيْئًا لَا يَعْرِفُهُ. استفاده از رقیه برای چشم و تب و دندان درد و (موجود) نیش دار سمی اشکالی ندارد، در صورتی که شخص بداند چه می گوید و در تعویذ خود، چیزی که آن را نمی شناسد، وارد نکند» (ابن بسطام، ۱۴۱۱، ۴۸)

این روایت، تنها در همین منبع آمده است و متأخران نیز از این منبع نقل کرده اند (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۲۳۷/۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴/۹۲). علاوه بر ضعف کتاب طب الائمه، راوی حدیث، ابراهیم بن مأمون نیز فردی ناشناخته است و سند روایت ضعیف است (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ۱/۱۸۶). در این روایت، تأکید شده است که در رقیه ها از امور ناشناخته و مجهول استفاده نشود، بلکه از عبارات و دعاها با مفهوم صحیح استفاده شود.

۲-۲-۲ راه جلوگیری از آسیب رساندن با چشم زخم

اگر کسی از نعمت و خوبی چیزی یا کسی شگفت زده شد، برای این که چشم زخم او متوجه طرف مقابل نشود، چه اقداماتی باید انجام دهد؟

۲-۲-۱- تکبیر گفتن

در طب الائمه چنین آمده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ زِيَادِ بْنِ هَارُونَ الْعَبْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَلِيلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ أَعْجَبَهُ شَيْءٌ مِنْ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَلْيَكْبِرْ عَلَيْهِ فَإِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ. امام صادق (ع) فرمود: کسی که چیزی از برادر مومنش او را به شگفتی وا داشت، بر آن چیز تکبیر گوید، چرا که چشم حق است» (ابن بسطام، ۱۴۱۱: ۱۲۱)

بر این اساس، انسان وقتی از مشاهده نعمتی در دیگری شگفت زده شد، باید تکبیر بگوید تا طرف مقابل دچار چشم زخم نشود. علامه مجلسی در یکی از نقل ها از این کتاب عبارت را به جای «فلیکبر» به صورت «فلیثمم» ثبت کرده است که به معنای استفاده از سرمه اثمم خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۰/

(۲۵)؛ اما این نقل اشتباه است و در نقل‌های دیگر به صورت «فلیکبر» ثبت شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۷/۹۲).

مکارم الاخلاق از امام صادق علیه‌السلام چنین روایت کرده است: من أعجبه من أخيه شيء فليبارك عليه، فإن العين حق (طبرسی، ۱۳۹۲: ۳۸۶)؛ بر این اساس، بعد از دیدن نعمت شگفت‌انگیز باید به شخص تبریک گفت یا طلب برکت برای آن نعمت داشت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۰/۲۵ - ۲۷). این معنایی است که در روایات اهل سنت بسیار به کار رفته است (ابن حنبل، بی‌تا: ۴۴۷/۳؛ ۹۳۸؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا: ۲۱۵/۴؛ ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹ق: ۴۴۷/۵؛ طبرانی، بی‌تا: ۸۲/۶)، اما استناد روایات اهل سنت به پیامبر (ص) و سبب صدور خاص نقل شده در منابع اهل سنت نشان می‌دهد که روایت طبرسی از این روایات أخذ نشده، بلکه همان روایت طب الائمه (ع) است که دچار تصحیف شده است.

۲-۲-۲ ذکر خدا

گزارش دیگری که طب الائمه (ع) نقل می‌کند به صورت زیر است:

«مُحَمَّدُ بْنُ مَيْمُونٍ الْمَكِّيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَالِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَوْ نَبَشَ لَكُمْ عَنِ الْقُبُورِ لَرَأَيْتُمْ أَنَّ أَكْثَرَ مَوْتَاكُمْ بِالْعَيْنِ لِأَنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ أَلَا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ الْعَيْنُ حَقٌّ فَمَنْ أَعْجَبَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَلْيَذْكُرِ اللَّهَ فِي ذَلِكَ فَإِنَّهُ إِذَا ذَكَرَ اللَّهَ لَمْ يَضُرَّهُ. از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: اگر قبرها برای شما شکافته شود، خواهید دید که اکثر مردگانتان با چشم زخم مرده‌اند، زیرا که چشم زخم حق است، همانا رسول خدا فرمود: چشم حق است، کسی که چیزی از برادرش او را به شگفتی وا داشت، در آن (زمان) خدا را یاد کند، به‌راستی که اگر خدا را یاد کند به او ضرر نمی‌رساند» (ابن بسطام، ۱۴۱۱: ۱۲۱).

این روایت تنها از این طریق نقل شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۰/۲۵، ۱۲۷/۹۲). احتمال تصحیف «فلیکبر» به «فلیدکر» وجود دارد؛ اما افزوده‌ها و تفاوت‌های ابتدا و انتهای این روایت با روایات قبلی احتمال اتحاد روایت‌ها را تضعیف می‌کند.

۲-۲-۳ گفتن «آمنت بالله»

دعائم الاسلام بدون سند از امام صادق (ع) چنین نقل کرده است:

«وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَا عَدْوَى وَلَا طَيْرَةَ وَلَا هَامَ وَالْعَيْنُ حَقٌّ وَالْقَالَ حَقٌّ فَإِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ إِلَى إِنْسَانٍ أَوْ دَابَّةٍ أَوْ إِلَى شَيْءٍ حَسَنٍ فَأَعْجَبَهُ فَلْيَقُلْ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فَإِنَّهُ لَا تَضُرُّعَيْنُهُ؛ سَرَايَتِ بيماری صحيح نیست، فال بد صحيح نیست، هام درست نیست، چشم حق است و فال حق است.



هر گاه یکی از شما انسان یا حیوان یا چیز نیکویی دید که او را به شگفتی وا داشت، پس بگوید: به خدا ایمان آوردم و خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش. پس چشمش آسیبی نمی رساند» (قاضی نعمان، ۱۹۶۳: ۱۴۱/۲).

این روایت، تنها از این طریق نقل شده است و دیگران نیز از این منبع نقل کرده‌اند (نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸/۶۰ به نقل از دعائم و به صورت «لا یضر»).

«فال» به معنای گمان و برداشت نیک داشتن نسبت به اشیاء و حوادث است که ناشی از حسن ظن به خداست و اگر به صورت گمان بد به کار رود، از تعبیر «طیره» استفاده می‌شود، به معنای فال بد زدن و شوم پنداشتن چیزی (ابن اثیر، ۱۳۶۴ش: ۱۵۲/۳ و ۴۰۵) «هامه» مفرد و جمع آن «هام» است. باور عرب‌ها چنین بود که استخوان‌های مرده به صورت پرنده‌ای در آمده و از قبرش پرواز می‌کند (ابن اثیر، ۱۳۶۴ش: ۲۸۹/۵). معنای دیگر «هامه» موجود سمی کشنده است که جمع آن «هوام» است و «سامه» به گزندگان سم‌داری گویند که سم آن‌ها کشنده نیست، مانند زنبور، گاهی نیز هامه به هر حیوان نیش‌زننده‌ای گفته می‌شود (ابن اثیر، ۱۳۶۴ش: ۲۷۵/۵). به نظر می‌رسد در مواردی که «هامه» و «سامه» کنار هم می‌آیند، معنای دوم و در مواردی که «هامه» همراه «طیره» و «فال» ذکر می‌شود که باورهای جاهلی را نمایان می‌کند، به معنای اول به کار رفته است.

این روایت، علاوه بر این که بدون سند نقل شده است سرایت بیماری را نیز انکار کرده است که با یافته‌های دانش بشری درباره بیماری‌های واگیردار هم‌خوانی ندارد. برخی حدیث «لا عدوی» را که در منابع فریقین به شیوه‌های متعددی نقل شده است، جعلی دانسته‌اند (رک: کریمیان، ۱۳۹۵ش: ص ۳-۲۵).

۲-۲-۴- گفتن «ما شاء الله»

طبرسی بدون ذکر سند و منبع از امام صادق (ع) چنین آورده است:

«الْعَيْنُ حَقٌّ وَ لَيْسَ تَأْمَنُهَا مِنْكَ عَلَى نَفْسِكَ وَ لَا مِنْكَ عَلَى غَيْرِكَ فَإِذَا خَفْتَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَقُلْ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ثَلَاثًا. چشم حق است و تو در امان نیستی، از آن برای خودت و نه از جانب خودت برای دیگران، پس هرگاه از آن ترسیدی، سه بار بگو: هر چه خدا بخواهد (همان خواهد شد)، هیچ نیرویی نیست مگر به واسطه خدای بلند مرتبه و بزرگ» (طبرسی، ۱۳۹۲: ۳۸۶).

این روایت نیز تنها از این طریق گزارش شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶/۶۰).

مجلسی و کفعمی از طبرسی گزارش کرده‌اند که پیامبر فرمود:

«مَنْ رَأَى شَيْئاً يُعْجِبُهُ فَقَالَ: اللَّهُ اللَّهُ، مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ (شینا) هرکس چیزی ببیند که او را به شگفتی وا دارد، سپس بگوید: خدا، خدا، هرچه خدا بخواهد (همان خواهد شد) هیچ نیرویی نیست مگر به واسطه خدا، چیزی به او ضرر نمی‌زند (به چیزی ضرر نمی‌زند)» (کفعمی، ۱۴۰۳: ۲۲۰، مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳/۹۲ و با کمی اختلاف در ۱۴/۶۰).

طبرسی این گزارش را از انس و از منابع اهل سنت نقل کرده است (طبرسی، ۱۴۱۸: ۸۷۹/۳؛ همو، ۱۴۱۵: ۴۹۴/۱۰؛ جصاص، ۱۴۱۵: ۶۵۰/۳).

این اذکار برای جلوگیری از آسیب رساندن به دیگران با چشم زخم کاربرد دارد و اگر کسی شور چشم باشد، با گفتن این عبارات چشم او اثر بدی بر دیگران نخواهد داشت و علاوه بر آن، برای جلوگیری از آسیب دیدن خود فرد از چشمان شور دیگران نیز مؤثر است.

۲-۲-۵ - خواندن معوذتین

طبرسی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«امام صادق (علیه السلام)

«إِذَا تَهَيَّأَ أَحَدُكُمْ تَهَيَّئَةً تُعْجِبُهُ فَلْيَقْرَأْ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ الْمُعْذَتَيْنِ فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ شَيْءٌ يَأْذِنُ اللَّهُ تَعَالَى. امام صادق علیه السلام: هرگاه کسی از شما آماده بیرون رفتن شد، با هیئت آراسته‌ای که خوشش می‌آید، هنگام بیرون آمدن، سوره فلق و ناس را بخواند، به اذن خدای تعالی آسیبی به او نمی‌رسد» (طبرسی، ۱۳۹۲: ۳۸۶).

طبرسی منبع و سندی برای روایت ارائه نمی‌کند و این روایت در منبع دیگری یافت نشد و دیگران نیز از همین منبع نقل کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۸/۹۲، کفعمی، ۱۴۰۳: ۲۲۰؛ بدون ذکر منبع).

در این روایت، اشاره‌ای به چشم زخم نشده است؛ اما محتوای روایت به روایات گذشته نزدیک است و از این رو، طبرسی و به تبع او دیگران این روایت را در ابواب مربوط به چشم زخم آورده‌اند.

بر اساس این روایت، وقتی شخص مهبای بیرون رفتن است و خود را آراسته است، ممکن است با دیدن هیئت خود از زیبایی و آراستگی خودش شگفت‌زده و خوشحال شود و همین مسئله باعث شود، فرد خودش را چشم‌بزند؛ در این صورت، خواندن معوذتین مانع اثر بد چشم شخص خواهد شد. معنای دیگری که از این روایت به دست می‌آید، این است که وقتی فردی با ظاهری آراسته از منزل خارج می‌شود، احتمال آسیب دیدن او از چشمان بد دیگران بیشتر می‌شود؛ برای پیشگیری از چنین آسیبی باید معوذتین را



بخواند. امکان این که هر دو معنا مد نظر باشد، وجود دارد؛ ولی اگر فقط معنای دوم منظور باشد، این روایت با روایات بخش بعدی سازگار تر خواهد بود.

۲-۳- درمان آسیب ناشی از چشم زخم

گونه‌ای از روایات راهکارهایی برای حفاظت اشخاص یا اموال از اثر چشم زخم بیان کرده یا راه‌هایی برای درمان اثرات سوء چشم زخم ذکر نموده‌اند.

۲-۳-۱. غسل

ابن ابی جمهور احسائی از پیامبر(ص) نقل کرده که فرمود: «العین حق، ولو كان شیء سابق القدر سبقه العين، وإذا اغتسلتم فاغسلوا» (ابن ابی جمهور احسائی، ۱۴۰۳: ۱۶۹/۱). این روایت که بدون منبع و سند نقل شده از منابع اهل سنت گرفته شده است (به عنوان نمونه نک: مسلم، بی تا: ۱۴/۷؛ ترمذی، ۱۴۰۳: ۲۶۸/۳). در منابع اهل سنت روایت شده که عامر بن ربیع، سهل بن حنیف را چشم زد، پیامبر برای درمان سهل به عامر دستور داد، خود را بشوید و آب غسل خود را بر روی بدن سهل بریزد تا بهبود یابد. بر این اساس در فرهنگ حدیثی اهل سنت درمان چشم زخم با غسل جایگاه ممتازی دارد (مالک، ۲: ۱۴۰۶/۹۳۸؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ۴۱۰/۳-۴۱۲).

۲-۳-۲. تعویذهای پیامبر برای حسنین(ع)

۱- سید بن طاووس نقل کرده که جبرئیل روزی پیامبر را غمگین دید و از او علت را جویا شد. پیامبر فرمود: حسنین مبتلا به چشم زخم شده‌اند. جبرئیل گفت: ای محمد چشم زخم را تصدیق کن، چون چشم زخم حق است. سپس تعویذی برای دفع آن به پیامبر آموخت و حسنین(ع) بهبود یافتند. پیامبر فرمود زنان و کودکان را با این تعویذ در امان نگاه دارید.

«اللَّهُمَّ يَا ذَا السُّلْطَانِ الْعَظِيمِ وَالْمَنْ الْقَدِيمِ وَالْوَجْهَ الْكَرِيمِ يَا ذَا الْكَلِمَاتِ الثَّامَاتِ وَاللَّدَعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ عَافِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ مِنْ أَنْفُسِ الْجِنَّ وَ أَعْيُنِ الْإِنْسِ. خدایا یا صاحب سلطنت بزرگ و منت دیرین و روی نیکو! ای صاحب کلمات تمام و دعاهاى مستجاب! حسن و حسین را از نفس‌های جن و چشم‌های انسانها عافیت ده» (سید ابن طاووس، ۱۴۱۲: ۹۲-۹۳؛ همو، ۱۴۱۴: ۲۸/۱).

ابن طاووس این دعا را از کتاب «الأدعية المروية من الحضرة النبوية» اثر سمعانی نقل کرده است. عبد الکريم بن محمد سمعاني(۵۶۲ق) که از عالمان اهل سنت و صاحب کتاب الانساب است (اتان کلبرک، ۱۳۷۱: ۱۶۸)، با واسطه راویان اهل سنت از امام علی(ع) از پیامبر(ص) این روایت را نقل

می‌کند. دیگران نیز به تبعیت از ابن طاووس این گزارش را نقل کرده‌اند (کفعمی، ۱۴۰۳: ۲۲۰). این روایت در منابع اهل سنت آمده است. ابن عساکر گزارش می‌کند که ابو رجاء محمد بن عبدالله حنفلی از اهالی تستر (شوشتر) متفرد در نقل این روایت است (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۶۱/۲۴). با جستجوی صورت گرفته در منابع رجالی شیعه و اهل سنت این فرد معرفی نشده است.

۲- شیخ کلینی در باب حرزها و تعویذها از امام صادق(ع) از امام علی(ع) نقل کرده که پیامبر(ص) حسنین(ع) را بر روی پاهای خود نشاند و دعایی برای آن‌ها می‌خواند و می‌فرمود ابراهیم(ع) این چنین برای اسماعیل و اسحاق(ع) دعا و تعویذ می‌خواند.

عَلَيْهِ بَنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع رَفَى النَّبِيُّ ص حَسَنًا وَحُسَيْنًا فَقَالَ أُعِيدُ كَمَا بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ وَأَسْمَائِهِ الْحُسْنَى كُلُّهَا عَامَّةٌ مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ لَا مَمَّةٍ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ثُمَّ التَّفَتِ النَّبِيُّ ص إِلَيْنَا فَقَالَ هَكَذَا كَانَ يُعَوَّذُ إِبرَاهِيمُ - إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ(ع). از امام صادق(علیه السلام) (روایت شده که) فرمود: امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمود: پیغمبر(ص) حسن و حسین را رقیه نمود، پس فرمود: پناه دهم شما را به کلمات تامة خدا و به اسماء حسنی خدا که همه عمومی هستند از شر زهرداران و گزنده‌های کشنده و از شر هر چشم بد و از شر حسود هنگام حسد. سپس پیغمبر(صلی الله علیه و آله) رو به ما کرد و فرمود: ابراهیم را شیوه بود که اسماعیل و اسحاق را چنین در پناه خدا می‌گذاشت (کلینی، ۱۳۶۳: ۲/۵۶۹).

روایت شیخ کلینی به علت وجود راوی ناشناس «بعض اصحابه» ضعیف السند است. علامه مجلسی در اعتبارسنجی این روایت از عبارت «مجهول» استفاده کرده است (مجلسی، ۱۴۰۰: ۱۲/۴۳۷).
 ۳- شیخ صدوق این روایت را با اندکی اختلاف نقل کرده است.

وَ رَوَى الْعَلَاءُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «لَا يَدْعِ الرَّجُلُ أَنْ يَقُولَ عِنْدَ مَمَامِهِ: أُعِيدُ نَفْسِي وَ دُرِّيَّتِي وَ أَهْلَ بَيْتِي وَ مَالِي بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَ هَامَةٍ وَ مِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَا مَمَّةٍ فَذَلِكَ الَّذِي عَوَّذَ بِهِ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ». از یکی از آن دو (امام باقر یا امام صادق(ع)) فرمود: ترک نکند انسان این را که هنگام خواب بگوید: پناه می‌دهم خودم و نسلم و خاندانم و مالم را به کلمات تامه الهی از هر شیطان و گزنده‌های کشنده و از هر چشم جنون‌زده. پس این همان تعویذی است که جبرئیل با آن حسن و حسین علیهما السلام را در پناه (خدا) قرار داد (صدوق، بی‌تا: ۴۷۰/۱).



طریق شیخ صدوق به روایات علاء بن رزین صحیح است (صدوق، بی تا: ۴/۴۶۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۷: ۴۳۹)، با توجه به وثاقت محمد بن مسلم (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۲۴)، این روایت صحیح السند است. روایت با اندکی اختلاف در سند، در کتاب طب الاثمه (ع) و به تبعیت از آن مکارم الاخلاق نیز گزارش شده است (ابن بسطام، ۱۴۱۱: ۱۱۹، طبرسی، ۱۳۹۲: ۲۲۸).

در منابع اهل سنت هم این روایت با اندکی اختلاف از ابن عباس از پیامبر (ص) گزارش شده است (مسند احمد، ۲۳۶/۱ و ۲۷۰، بخاری، ۱۴۰۱: ۴/۱۱۹)، برخی از شیعیان نیز این روایت را از منابع اهل سنت اخذ کرده‌اند (قاضی نعمان، ۱۴۱۴: ۳/۸۹، ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳/۱۵۵).

در روایت دوم و سوم، اشاره ای به ابتلای حسنین (ع) به چشم زخم نشده است و تنها عبارت «عین لامة» در متن دعا باعث می‌شود که این روایات را در زمره روایات مرتبط با چشم زخم بدانیم.

«لَمَم» به معنای جنون یا جنون ناشی از تماس با جن است و «رجل ملموم» به معنای کسی است که دارای جنون است و در اثر تماس جن، مجنون شده است، «عین لامة» به معنای چشمی است که بدی می‌رساند یا هر چیز ترسناک مانند شر و فزع است (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۴/۲۷۲؛ حربی، ۱۴۰۵: ۱/۳۱۹؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۲/۵۵۱-۵۵۲؛ ملا صالح مازندرانی، ۱۴۲۱: ۱۰/۴۲۷). بر این اساس، دعا را می‌توان به دو گونه معنا کرد، پناه بردن به خدا از چشم زخم یا پناه بردن به خدا از هر چیز ترسناک و شر.

شیخ صدوق در معانی الاخبار با سند خود چنین نقل کرده است:

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ وَالْعَامَةِ وَاللَّامَةِ فَقَالَ السَّامَةُ الْقَرَابَةُ وَالْهَامَةُ هَوَامُ الْأَرْضِ وَاللَّامَةُ لَمَمُ الشَّيَاطِينِ وَالْعَامَةُ عَامَةُ النَّاسِ. سليمان بن خالد از امام صادق علیه السلام روایت نموده‌اند که شخصی از آن حضرت در باره قول پیغمبر صلی الله علیه و آله پرسید که فرموده: خدایا پناه می‌برم به تو از گزند «سامه و هامه و عامه و لامه» در پاسخ فرمود: «سامه» خاصه و نزدیکان، و «هامه» موجودات زهردار، «لامه» جنون ناشی از شیطان، و «عامه» عامه مردم می‌باشند (صدوق، ۱۳۶۲: ۱۷۳).

بر اساس این روایت معنای «لامه»، جنون ناشی از شیطان است. یعنی در دعای مشهور نبوی ایشان حسنین (ع) از شر شیطان و آسیب‌های آن در پناه خدا قرار می‌داد و اشاره‌ای به چشم زخم نشده است. بر این اساس، این روایات دلالتی بر چشم زخم ندارند؛ اما طبیعتاً با توجه به این که باور به تاثیر چشم زخم باوری رایج بود، برداشت مردم از عبارت «لامه و عین لامة» چشم زخم بود.

این دعا با اندکی اختلاف در روایات دیگری نیز وارد شده است. طبرسی بدون ذکر سند و منبع، نمازی را برای درمان جمیع بیماری‌ها نقل کرده است، او می‌نویسد:

ابوامامه از پیامبر نقل کرده که با زعفران داخل یک ظرف تمیز مطالب زیر را می‌نویسی و می‌شویی و می‌خوری. "أعوذ بكلمات الله التامة وأسمائه الحسنى كلها عامة من شر السامة والهامة ومن شر العين اللامة ومن حاسد إذا حسد"؛ علاوه بر آن بخش‌هایی از قرآن شامل سوره حمد، توحید، معوذتین، آیاتی از بقره، آیه الکرسی، آمن الرسول تا آخر سوره، ۱۰ آیه ابتدایی و ده آیه انتهایی سوره آل عمران، آیاتی از سوره‌های نساء، مائده، انعام، اعراف، صافات و... سپس ظرف را سه بار می‌شویی، وضو می‌گیری، از آن کمی در دهان می‌چرخانی، به صورت و بدنت می‌مالی، سپس دو رکعت نماز می‌خوانی و از خدا طلب شفا می‌کنی و این کار را سه روز انجام می‌دهی. حسان گفته است که آن را تجربه کرده و دیدیم که به اذن خدا نافع است (طبرسی، ۱۳۹۲: ۳۹۵). در منابع اهل سنت از ابوامامه از پیامبر تعویذهایی نقل شده است؛ از جمله تعویذهایی با دعاهایی شبیه دعای مذکور در روایت طبرسی (متقی هندی، کنز العمال، ۱۰/۶۹)، از این رو به نظر می‌رسد طبرسی دستور خواندن نماز را از منابع اهل سنت گرفته است.

این عبارات در ضمن دعاها دیگری نیز به چشم می‌خورند (به عنوان نمونه، طوسی، ۱۴۱۱: ۲۰۴، بدون سند و منبع؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۱/۹۱ از کتابی قدیمی و ناشناخته).

۲-۳-۳- تعویذ شیشه عطر

حسین بن حمدان خصیبی گزارش کرده که از امام جواد علیه السلام درباره مشک و عطر سؤال شد و ایشان در ضمن روایتی طولانی فرمودند: برای امام رضا علیه السلام عطری تهیه شد و فضل بن سهل برای ایشان نوشت که مردم استفاده از این عطرها را بر شما عیب می‌دانند؛ ایشان در پاسخ به سیره حضرت یوسف و سلیمان در استفاده از نعمتهای الهی اشاره کرده و در نهایت، به آیه قرآن استناد کردند که چه کسی زینت‌های دنیا را بر شما حرام کرده است؟ سپس دستور دادند عطری به چهار هزار درهم برای ایشان تهیه کنند و قتی ایشان نگاهشان به عطر افتاد و خوبی و خوش بویی آن را دیدند، برای حفظ آن دستور دادند که رقعهای برای چشم زخم تهیه کنند و فرمودند چشم زخم حق است (خصیبی، ۱۹۹۱: ۳۰۸-۳۰۹).

حسین بن حمدان خصیبی جنبلائی از بزرگان غلات نصیریّه است. نجاشی او را فاسد المذهب می‌داند (نجاشی، ۱۴۱۶: ۶۷). ابن غضائری نیز او را دروغ‌گو، فاسد المذهب، دارای باورهای فاسد و ملعون می‌داند که به او توجه و اعتنایی نمی‌شود (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۵۴).



کلینی از محمد بن ولید کرمانی روایت کرده که به امام جواد عرض کردم، نظر شما درباره مشک چیست؟ ایشان فرمودند که پدرم دستور دادند که عطری برای ایشان تهیه شود به قیمت هفتصد درهم، فضل بن سهل اعتراض کرد و امام پاسخ داد. اما اشاره‌ای به تعویذ نشده است (کلینی، ۱۳۶۳: ۵۱۶/۶). مضمونی شبیه به این درباره استفاده امام از زینت‌های دنیا بدون اشاره به ماجرای تهیه عطر از امام رضا(ع) (کلینی، ۱۳۶۳: ۴۵۳/۶) و امام صادق علیه السلام گزارش شده است (قاضی نعمان، ۱۹۶۳: ۱۵۵/۲ بدون سند).

طبرسی در مکارم الاخلاق برای دفع چشم زخم روایتی گزارش کرده است، او می‌نویسد: از معمر بن خلاد گزارش شده که همراه امام رضا(ع) در خراسان بودم و خریدهای ایشان را انجام می‌دادم، به من فرمودند که برایشان عطری تهیه کنم؛ وقتی خریدم با شگفتی و خوشحالی به آن نگاه کردند و فرمودند ای معمر چشم(زخم) حق است در پارچه‌ای حمد و توحید و معوذتین و آیه الکرسی را بنویس و در غلاف و جلد قاروره و شیشه عطر قرار بده (طبرسی، ۱۳۹۲: ۳۸۶).

طبرسی این روایت را بدون ذکر سند و منبع گزارش کرده است؛ اما کلینی از معمر بن خلاد شبیه این روایت را گزارش کرده است که در آن اشاره‌ای به چشم زخم وجود ندارد (کلینی، ۱۳۶۳: ۵۱۶/۶).

۲-۳-۴- درمان چشم زخم با حمد و معوذتین

طب الاثم(ع) از سکونی از امام صادق(ع) چنین نقل کرده است:

«الْحَمْدُ بِنِ أَبِي زِيَادٍ قَالَ: حَدَّثَنَا فَصَالَةُ بْنُ أَيُّوبَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا كَسَلَ أَوْ أَصَابَتْهُ عَيْنٌ أَوْ صَدَأُ بَسَطَ يَدَيْهِ فَقَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ ثُمَّ يَمَسُّحُ بِهِمَا وَجْهَهُ فَيَذْهَبُ عَنْهُ مَا كَانَ يَجِدُ. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا که درود خدا بر او باد، هرگاه کسل یا مبتلا به چشم زخم یا سردرد می‌شد، دستهایش را باز می‌کرد، سوره حمد و معوذتین را می‌خواند، سپس دستهایش را به صورت می‌مالید. پس آنچه (از بیماری و کسالت) برایش به وجود آمده بود، از بین می‌رفت» (ابن بسطام، ۱۴۱۱: ۳۹).

طبرسی و مجلسی این روایت را باز نشر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۹۲: ۳۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۴/۹).

علاوه بر ضعف منبع، چنان که گذشت سکونی از راویان اهل سنت است و از این رو، سند روایت صحیح نیست.

محمد بن عیسی نقل کرده که مردی درباره چشم زخم از امام رضا(ع) سوال کرد. امام فرمود: حق است، وقتی به تو اصابت کرد، کف دستان را مقابل صورت بگیر و سوره حمد و توحید و معوذتین را

بخوان و دستانت را بر پیشانی و صورت بکش که به اذن خدا نافع است (طبرسی، ۱۳۹۲: ۴۱۳). این گزارش تنها در این منبع و بدون سند نقل شده است. عایشه نقل کرده که وقتی پیامبر به رخت خواب می رفت، توحید و معوذتین را می خواند و در دستانش فوت می کرد و دستانش را به صورت و بدنش می مالید (بخاری، ۱۴۰۱: ۲۵/۷)؛ اما در این روایت سخنی از چشم زخم نیست. احتمالاً این عملی مفید برای درمان همه بیماری هاست و از این رو، برای درمان چشم زخم نیز توصیه شده است.

۲-۳-۵- تعویذ جبرئیل برای چشم حسود

جبرئیل (ع) برای جلوگیری از چشم زخم تعویذی را به پیامبر آموخت:
 «وَعَنْهُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَغَوِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا بِشْرُ بْنُ هَلَالٍ الْأَصَوَّافُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَارِثِ بْنُ سَعِيدٍ بْنِ صَهَبٍ، عَنْ أَبِي نَصْرَةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ: أَنَّ جَبْرَائِيلَ أَتَى النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ اسْتَكَيْتَ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ أَزْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، وَ اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِسْمِ اللَّهِ أَزْقِيكَ. جبرئیل به خدمت پیامبر گرامی آمد و عرض کرد: ای محمد آیا بیماری؟ او فرمود: آری. او عرض کرد: به نام خدا تو را از هر چیزی که آزارت دهد، از شر هر جان یا چشم حسدورز پناه می دهم. و خدا تو را شفا می دهد. به نام خدا تو را پناه می دهم» (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۳۸؛ با اندکی اختلاف در: مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۳/۹۲، کفعمی، ۱۴۰۳: ۲۲۰).

چشم حسود که در این روایت به آن اشاره شده است، الزاماً از طریق چشم زخم آسیب نمی رساند؛ بلکه از آنجاکه حسادت در موارد متعدد ناشی از دیدن نعمت های دیگران است، حسادت به چشم منسوب شده است؛ اما این که او چگونه حسادت خود را اعمال کند، می تواند به طرق مختلف صورت گیرد و الزاماً به این معنی نیست که اعمال حسد فقط از طریق چشم زدن باشد.

منظور از ابوالفضل، محمد بن عبدالله شیبانی است که شیخ طوسی مجلس ۱۶ تا ۳۲ از کتاب امالی خود را به احادیث او اختصاص داده است (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۴۵ - ۶۴۳). نجاشی می نویسد: او اصالتاً کوفی بود و تمام عمرش را در طلب حدیث مسافرت کرد، در ابتدای امر دقیق بود؛ اما دچار تخلیط شد و دیدم که همه اصحاب او را تضعیف می کنند. او را ملاقات کردم و روایات بسیاری از او شنیدم، ولی در نقل روایت از او توقف کردم و جز با واسطه از او روایت نکردم. او کتاب هایی درباره زید، علوم زیدیه،



اخبار ابوحنیفه نیز داشت (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۹۶). شیخ طوسی او را کثیرالروایه و حسن الحفظ دانسته که عده‌ای از اصحاب او را تضعیف کرده‌اند (طوسی، ۱۴۱۵: ۴۴۷ و همو، ب ۱۴۱۷: ۲۱۶). ابن غضائری او را جاعل حدیث دانسته است که روایات ناشناخته بسیاری را نقل می‌کرد. او می‌گوید: کتابهایش را دیدم که روایات بدون سند و سندها بدون روایات، در آن آمده بود. نظر من این است که آنچه را او به تنهایی نقل می‌کند، باید ترک کرد و نپذیرفت (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۹۹؛ هم‌چنین نک: ابن شهر آشوب، بی‌تا: ۱۷۵).

ابوالفضل روایت را از عبد الله بن محمد بغوی که از راویان اهل سنت است (ذهبی، ۱۴۱۳: ۴۴۰/۱۴)، نقل کرده است. بقیه راویان نیز از رجال اهل سنت هستند. این روایت در منابع اهل سنت آمده است (مسلم، بی‌تا: ۱۳/۷؛ مسند احمد ج ۳/۵۶).

اما مکارم الاخلاق از ابن عباس نقل کرده است که جبرئیل این دعا را زمانی آورد که لبید یهودی پیامبر را سحر کرده بود. پیامبر علی علیه السلام را همراه زبیر و عمار فرستاد، آن‌ها طلسم را یافتند و با خواندن معوذتین آن را باطل کردند و در نهایت، جبرئیل این دعا را خواند (طبرسی، ۱۳۹۲: ۴۱۴). در این گزارش، عامل بیماری پیامبر به جای چشم زخم، سحر عنوان شده است.

۲-۳-۶- تعویذ منتسب به امام حسن (ع)

کفعمی به نقل از جوامع الجامع از امام حسن (ع) نقل کرده است که دوای چشم زخم خواندن آیه «و ان یکاد» است (کفعمی، ۱۴۰۳: ۲۲۱)؛ اما این توصیه حسن بصری است و انتساب آن به امام حسن (ع) اشتباه است (طبرسی، ۱۴۱۸: ۶۲۰/۳؛ بغوی، معالم التنزیل، ۳۸۵/۴؛ الزحیلی، ۱۴۲۷: ۲۷۱۹/۳). گزارش منتسب به حسن بصری نیز با سند معتبری نقل نشده است. علاوه بر این، ارتباط آیه «و ان یکاد» با مسئله چشم زخم با وجود شهرت بسیار نزد مفسران از سوی برخی نقد شده است (حلیمی جلودار و قربانی لاکتراشانی، ۱۳۹۹: ۷۵-۹۸؛ اثباتی، ۱۴۰۲: ۱۸۱-۲۱۳).

۲-۳-۷- دعای حجامت

امام باقر (ع) به یکی از یارانش دعایی را آموزش داد که از چشم (زخم) در خون (حجامت) به خدا پناه ببرد.

«مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ مُنْجَابٍ قَالَ: حَدَّثَنَا خَلْفُ بْنُ حَمَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ إِذَا أَرَدْتَ الْحِجَامَةَ فَخَرَجِ الدَّمُ مِنْ مَحَاجِمِكَ فَقُلْ قَبْلَ أَنْ تَقْرَعَ وَ قُلْ وَ الدَّمُ يَسِيلُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْكَرِيمِ مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ

وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ فِي حِجَامَتِي هَذِهِ.....امام باقر علیه السلام به یکی از اصحابش فرمود: هرگاه خواستی حجامت کنی و خون از محل حجامت خارج شد، قبل از این که از حجامت فارغ شوی و درحالی که خون جاری است، بگو: بسم الله الرحمن الرحيم. پناه می برم به خدای کریم از چشم زخم در خون و از هر بدی و شری در این حجامتم....(ابن بسطام، ۱۴۱۱: ۵۶).

محمد بن قاسم بن منجاب فردی ناشناخته است که تنها همین روایت از او نقل شده است (نمازی شاهرودی، ۱۴۰۵ق: ۲۹۵/۷) و بر این اساس، سند روایت ضعیف است.

شیخ صدوق این روایت را با همین عبارات از امام صادق (ع) نقل کرده است.

أبي - رحمه الله - قال: حدثنا سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن أبيه، عن عبد الله بن سنان عن خلف بن حماد، عن رجل، عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال... (صدوق، ۱۳۶۲: ۱۷۲).
 سند روایت به خاطر وجود فردی ناشناس «عن رجل» ضعیف است. طبرسی نیز بدون ذکر منبع و سند روایت را نقل کرده که به احتمال بسیار از این منبع گرفته است (طبرسی، ۱۳۹۲: ۷۴). در فقه الرضا (ع) نیز گزارش مشابهی نقل شده است (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۳۹۴). این گزارش بدون سند و بدون انتساب به معصوم نقل شده است؛ علاوه بر آن، نویسنده کتاب نیز مشخص نیست.

۲-۳-۸- تعویذی برای حیوانات

روایت اول: تعویذ منتسب به امام کاظم (ع)

أَحْمَدُ بْنُ الْحَارِثِ قَالَ: حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: فِي عُوْذَةِ الْحَيَوَانِ وَقَالَ هِيَ مَحْفُوظَةٌ عَنْهُمْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ خَرَجَ عَيْنُ السَّوْءِ مِنْ بَيْنِ لَحْمِهِ وَجِلْدِهِ وَعَظْمِهِ وَعَصَبِهِ وَعُرْوَقِهِ فَلَقِيَهَا جَبْرِئِيلُ وَمِيكَائِيلُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَقَالَا أَأَيْنَ تَذْهَبِينَ أَلْعَيْنَةُ؟ قَالَتْ أَذْهَبُ إِلَى الْجَمَلِ فَأُطْرَحُهُ مِنْ قَطَارِهِ فَقَالَا لَهَا إِذْهَبِي أَيْتُهَا أَلْعَيْنَةُ إِلَى الْبَرِّيَّةِ ... رَدَدْتُ بِعَوْنِ اللَّهِ عَيْنَ السَّوْءِ إِلَى أَهْلِهِ ... فَأَرْجِعِ الْبَصَرَ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَرْتَيْنِ يَنْقَلِبُ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ ... از امام کاظم (ع) از پدرانش نقل شده است: درباره تعویذ حیوانات که این تعویذ نزد آنان محفوظ بود. بسم الله الرحمن الرحيم. بسم الله و بالله خارج شد نظر بد از بین گوشت و پوست و استخوان و عصب و رگ هایش پس جبرئیل و میکائیل آن را ملاقات کردند و گفتند: کجا می روی ای نظرها، گفت به سمت شتر می روم تا آن را از قطار شتران به زمین بیندازم و... پس به او گفتند: بروید ای نظرها به سوی مخلوقات.... برگرداندم به یاری خدا نظر بد را به اهلش و...



پس بار دیگر نظر کن، آیا در آسمان شکافی میبینی؟ بار دیگر نیز چشم باز کن و بنگر. نگاه تو خسته و درمانده به نزد تو باز خواهد گشت (ابن بسطام، ۱۴۱۱: ۱۳۴).

ابن طاوس می‌نویسد: اگر شیطان در برابر دیدگان حیوانات ظاهر شد، این دعا را بخوان و بر صورت حیوان بکش یا همراهش قرار بده. بخش‌هایی از عبارات این تعویذ شبیه روایت قبلی است (ابن طاوس، ۱۴۰۹: ۱۳۲). این روایات بدون سند و در منابع ضعیف نقل شده و از نظر متنی نیز دچار اضطراب و آشفتگی هستند. فعل‌ها گاهی جمع و گاهی مفرد به کار رفته‌اند و عبارات نامفهوم نیز در متنها به چشم می‌خورد.

روایت دوم: تعویذ منتسب به امام علی (ع)

علامه مجلسی از یک کتاب قدیمی ناشناخته نقل می‌کند که وقتی یکی از شتران امیر المومنین (ع)

چشم خورد، این دعا را خواند:

[الكتاب العتيق الغروي]: عُوذَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْعَيْنِ قَالَ جِئَ أَصَابَتِ الْعَيْنُ فَحَلَا مِنْ إِبِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ [مِنْ] عَبْسٍ عَابِسٍ وَ شَهَابٍ قَابِسٍ وَ حَجَرٍ يَابِسٍ رَدَدْتُ عَيْنَ الْعَائِنِ عَلَيْهِ مِنْ رَأْسِهِ إِلَى قَدَمَيْهِ أَخَذَ عَيْنَاهُ قَابِضٍ بِكَلَاهُ وَ عَلَى جَارِهِ وَ أَقَارِبِهِ جِلْدُهُ ذَقِيقٌ وَ دَمُهُ رَقِيقٌ وَ بَابُ الْمَكْرُوهِ بِهِ تَلِيقٌ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ قُطُورٍ نَمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَ هُوَ حَسِيرٌ ... تعویذی از امیرالمومنین علیه‌السلام برای چشم زخم. وقتی یکی از شتران امیرالمومنین علی علیه‌السلام دچار چشم زخم شد گفت: بسم الله الرحمن الرحيم. به نام خدای بزرگ. عبس عابس، شهاب سوزان و سنگ خشک. برگرداندم نظر چشم زننده را به خودش از سر تا پایش، چشمانش را بگیرد، تمام وجودش را بگیرد و همسایه‌اش و نزدیکانش و پوست لطیف و خون رقیق و درب ناخوشی‌ها شایسته اوست. پس برگردان دیده را آیا هیچ خللی می‌بینی؟ بار دیگر دیده را برگردان، دیدگانت ناامید به سوی تو بر می‌گردند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۹۲).

عقیلی حلبی از عالمان اهل سنت از شخصی به نام ابوعبد الله سعید بن برید تمیمی نباجی که از اهل عرفان و تصوف و در زمره معاصران ذوالنون مصری بوده است، نقل کرده که وقتی فردی بد چشم شتر او را چشم زد، او نزد آن فرد رفت و دعای زیر را خواند که چشمان آن شخص از حدقه خارج شد و شترش بهبود یافت.

بسم الله حبس حابس وشهاب قابس رددت عين العاين عليه وعلى أحب الناس إليه في كلوتيه رشيق وفي ماله يليق « فارجع البصر هل ترى من فطور ثم ارجع البصر كرتين ينقلب إليك البصر خاسئا وهو حسير » (ابن العديم، ۱۴۰۷: ۴۲۸۲؛ با اندکی اختلاف در: ابن قیم، بی تا: ۱۳۶).

روایت علامه مجلسی به روایت نقل شده در منابع اهل سنت بسیار شبیه است. این حرزها در مواردی حالت نفرین به خود گرفته است و در آن‌ها خواسته شده که نظر بد به صاحبش برگردد و اعضای بدنش را درگیر کند، به این هم اکتفا نشده است؛ بلکه خواسته شده نظر بد به مال، خانواده و فرزندان، نزدیکان و خویشان و حتی همسایگان برگردد. در صورتی که درباره چشم زخم بیان شده که شدت علاقه و تعجب از خوبی چیزی باعث چشم زخم می‌شود. گاهی نگاه از حسد را نیز عامل چشم زخم دانسته‌اند، در هر صورت، چشم زخم چندان ارادی نیست و به فرض که با اراده شخص باشد، چرا باید به خانواده، خویشان و حتی همسایگان فرد برگردد.

روایت سوم: تعویذ زراره

عن زرارة قال: ينث في المنخر الأيمن أربعاً والأيسر ثلاثاً، ثم يقول: (باسم الله لا بأس أذهب البأس رب الناس واشف أنت الشافي لا يكشف البأس إلا أنت. چهار بار در سوراخ راست بینی و سه بار در سوراخ چپ دمیده می‌شود. سپس می‌گوید: به نام خدا، هیچ عیبی نیست، عیب‌ها را از بین ببر ای خدای مردم، شفا بده که تو شفا دهنده هستی و عیب‌ها و بیماری‌ها را کسی جز تو از بین نمی‌برد (طبرسی، ۱۳۹۲: ۴۱۴، مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۱/۹۲).

این روایت بدون سند و منبع و حتی بدون انتساب به معصوم گزارش شده است. در منابع شیعی روایتی با این مضمون وارد نشده است؛ اما در منابع اهل سنت از سحیم بن نوفل گزارش شده که نزد ابن مسعود نشسته بودیم. کنیزی آمد و به یکی از همراهان ما گفت چه نشسته‌ای که فلانی اسبت را چشم زده و اسب چیزی نمی‌خورد و نمی‌آشامد و فقط دور خودش می‌چرخد. برای او تعویذ و رقیه‌ای فراهم کن. ابن مسعود گفت: رقیه لازم نیست. سه بار در سوراخ راست بینی و سه بار در سوراخ چپ بینی‌اش فوت کن، بگو: لا بأس، اذهب البأس رب الناس، اشف أنت الشافي، لا يكشف الضر إلا أنت. آن مرد رفت و برگشت و گفت: کارهایی که گفתי، انجام دادم و اسبم خوب شد (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ۶۱/۷؛ ابن عبد البر، ۲۰۰۰: ۴۰۲/۸، همو، ۱۳۸۷: ۲۳۹/۶).

شیخ طوسی دعایی شبیه این از امام علی (ع) نقل کرده است که هرگاه پیامبر بر بیماری وارد می‌شد، آن را می‌خواند، اما در این روایت‌ها سخنی از چشم زخم نیست.



أخبرنا جماعة، عن أبي المفضل، قال: حدثنا أبو القاسم عبد الله بن محمد بن عبد العزيز البغوي، قال: حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة، قال: حدثنا أبو الأحوص، عن أبي إسحاق، عن الحارث، عن علي (عليه السلام)، قال: كان رسول الله (صلى الله عليه وآله) إذا دخل على مريض قال: أذهب البأس رب البأس، واشف أنت الشافي لا شافي إلا أنت (طوسي، ۱۴۱۴: ۶۳۸).

ابوالمفضل شیبانی این روایت را از منابع اهل سنت اخذ کرده و روایت با همین سند در منابع سنی گزارش شده است (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ۷۷/۷ هم چنین نک: مسند احمد، ۷۶/۱). هم چنین در منابع اهل سنت گزارش شده که پیامبر دعایی شبیه این را خواند و با آب دهانش شخصی را شفا داد (همان، ۴/۱۸)، بعدا ابن شهر آشوب این روایت را از منابع اهل سنت نقل کرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱/۱۰۱ و به نقل از او در مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸/۳۹). بر این اساس به نظر می رسد، دعای نقل شده از پیامبر (ص) با تغییراتی در عبارات بعدها به عنوان تعویذی برای چشم زخم به کار رفته است.

روایت چهارم: تعویذ اسب و سوارکار

سید بن طاووس می نویسد: تعویذی برای سوارکار و اسب در کتابی که مشتمل بر حرزهای جلیله بود، یافتیم. در این حرز حیوان، سوار و صاحبش از انواع بیماری ها و آفت ها از جمله چشم زخم انسان ها و جنیان در پناه خدا قرار داده شده اند (سید بن طاووس، ۱۴۰۹: ۸۵). این حرز به معصومین منتسب نشده است.

۲-۳-۹- تعویذ چشم زخم با سوره حمد و دعا

طبرسی برای کسی که مبتلا به چشم زخم شده، نسخه ای به این شکل تجویز کرده که سوره حمد خوانده شود و دعای زیر نوشته شود:

يَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَيَكْتُبُ بِسْمِ اللَّهِ أُعِيدُ فَلَانَ بِنِ فُلَانَةَ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ ذَرَأً وَ بَرّاً وَ مِنْ كُلِّ عَيْنٍ نَاطِلَةٍ وَ أُذُنٍ سَامِعَةٍ وَ لِسَانٍ نَاطِقٍ إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَ عَمَلِ الشَّيْطَانِ وَ خَيْلِهِ وَ رَجُلِهِ وَ قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَ أُدْخِلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ . سوره حمد را بخواند و بنویسد. بسم الله در پناه قرار می دهیم، فلانی فرزند فلانی (نام مادر) با کلمات تامه خدا از شر آنچه خلق کرده و آفریده و ایجاد کرده و از هر چشم بیننده و گوش شنونده و زبان گوینده. پروردگارم بر صراط مستقیم است و از شر شیطان رانده شده و کار شیطان و اسبش و پایش و فرمود: ای فرزندانم! از یک در وارد نشوید و از درهای متعدد وارد شوید (طبرسی، ۱۳۹۲: ۴۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۲/۱۳۱).

این تعویذ به معصومین منتسب نشده و در منبع دیگری یافت نشد. به نظر می‌رسد دعای «أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق» که در منابع اهل سنت برای در امان ماندن از نیش عقرب و آسیب‌های دیگر از پیامبر (ص) نقل شده (مسند احمد، ۲/۲۹۰، ۳/۴۴۸، ۵/۴۳۰)، به‌مرور زمان، همراه با افزوده‌هایی به عنوان تعویذی برای چشم زخم به‌کار گرفته شده است. از ویژگی‌های این حرز استفاده از نام مادر به‌جای نام پدر است. در پایان به توصیه حضرت یعقوب برای ورود فرزندان از درب‌های متعدد به مصر اشاره شده است که بنا به نظر برخی از مفسران این توصیه برای دفع چشم زخم بوده است (اثباتی، ۱۴۰۳ش: ۱۳-۱۵).

۲-۱۰-۳- تعویذ ابن علقمی

کفعمی تعویذی را به خط وزیر مؤید الدین بن العلقمی (۵۹۳هـ- ۶۵۶هـ) ۱ گزارش کرده است. این تعویذ به معصومین منتسب نشده است؛ ولی برخی عبارات به کار رفته در آن شبیه عبارات دعاها و حرزهای مربوط به چشم زخم است و به نظر می‌رسد با استفاده از آن‌ها تهیه شده است.

« وَ فِي خَطِّ الْوَزِيرِ مُؤَيَّدِ الدِّينِ بْنِ الْعَلْقَمِيِّ : أَنَّ رُقِيَّةَ الْعُيُونِ بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ الشَّانِ الْقَوِيَّ السُّلْطَانِ الشَّهِيدِ الْأَرْكَانِ حَبِيسَ حَابِسٍ وَ حَجَرَ يَابِسٍ وَ شَهَابَ قَابِسٍ وَ لَيْلَ دَامِسٍ وَ مَاءَ قَارِسٍ فِي عَيْنِ الْعَائِنِ وَ فِي أَحَبِّ خَلْقِ اللَّهِ إِلَيْهِ وَ فِي كَبِدِهِ وَ كُلِّيَّتِهِ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ قُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ حَاسِنًا وَ هُوَ حَسِيرٌ قُلْتُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَكْتُمُ ذَلِكَ عَلَى بَيْضَةٍ وَيَضْرِبُ بِهَا الْحَيَوَانَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ ابْنُ الْأَدَمِ يَبْنِي رِجْلَيْهِ يَبْرَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى (كفعمی، ۱۴۰۳: ۲۲۱)

در پایان حرز اشاره شده که برخی این حرز را روی تخم مرغ نوشته و بین دو چشم حیوان یا مقابل پای انسان می‌زنند و به اذن الهی خوب می‌شود.

۲-۱۱-۳- دعای امام علی (ع) در صفین

ابن طاووس از کتاب دعای سعد بن عبد الله اشعری نقل کرده که امام علی (ع) دعایی را در صفین خواند در بخشی از آن آمده است:

وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَسْوَسةِ الْأَنْفُسِ مِمَّا تُحِبُّ مِنَ الْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ وَ الْعَمَلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الْحَسِّ وَ اللَّبْسِ وَ مِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ أَنْفُسِ الْجَنِّ وَ أَغْنِنِ الْإِنْسَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ مِنْ شَرِّ لِسَانِي وَ مِنْ شَرِّ سَمْعِي وَ مِنْ شَرِّ بَصَرِي... پناه می‌برم به تو از وسوسه نفس‌ها از آنچه که

۱. عالم و وزیر شیعه خلیفه عباسی المستعصم بالله تا پایان دوران خلافت عباسی و سقوط بغداد توسط مغولان بود.



دوست داند از سخن و کار و رفتار. خدایا به تو پناه می‌برم از جن و انس و احساس و پوشیدگی و از آنچه در شب و روز وی آید و از نفس جن و چشم انس. خدایا به تو پناه می‌برم از بدی نفسم و از شر زبانم و گوشم و چشمم... (سید بن طاووس، ۱۴۱۴: ۹۷-۱۰۱).

تعبیر «اعین الانس» می‌تواند به معنای چشم‌های انسان‌ها باشد و احتمال دارد به قرینه «انفس الجن» به معنای «نفس انسان‌ها و خود انسان‌ها» باشد؛ همان‌طور که در ادامه نیز از نفس به خدا پناه برده شده است. دعای قبلی با سندی از سعد بن عبد الله تا امام صادق (ع) نقل شده است. این دعا نیز از امام صادق (ع) نقل شده: اما سندی برای آن ارائه نشده است. امام صادق علیه السلام این دعای طولانی را مفید برای هر گرفتاری دانسته‌اند؛ اما اختصاصاً به عنوان دعای چشم زخم بیان نشده است.

۲-۳-۱۲- تعویذی از چشم جن

شیخ صدوق در باره ثواب قرائت سوره جن چنین می‌نویسد:

«بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ حَتَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ أَكْثَرَ قِرَاءَةَ قُلْ أُوْحِي إِلَيَّ لَمْ يُصِبْهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا شَيْءٌ مِنْ أَعْيُنِ الْجِنِّ وَلَا نَفْثِهِمْ وَلَا سِحْرِهِمْ وَلَا مِنْ كَيْدِهِمْ وَكَانَ مَعَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَيَقُولُ يَا رَبِّ لَا أُرِيدُ بِهِ بَدَلًا وَلَا أُرِيدُ أَنْ أَبْغِي عَنْهُ جَوْلًا. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس زیاد سوره «قُلْ أُوْحِي إِلَيَّ» را قرائت کند، در تمام عمر دچار چشم زخم جن و دمیدن و (جادو) و سحر و مکر ایشان نگردد، و با محمد صلی الله علیه و اله و سلم باشد، و گوید: بارالها! من خواهان تبدیل این مقام و انتقال از آن نیستم» (صدوق، ۱۳۶۸: ۱۲۰؛ طبرسی، ۱۳۹۲: ۳۶۵).

از امام صادق (ع) گزارش شده که هرکس سوره جن را زیاد بخواند، گزندگی از چشم، فوت، سحر و مکر جنیان به او نمی‌رسد. صدوق روایات متعددی درباره ثواب خواندن سوره‌های قرآن را با سند خود از محمد بن حسان از اسماعیل بن مهران از حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی نقل می‌کند (همان: ۱۱۷-۱۰۴) که با توجه به شواهد موجود از کتاب ثواب القرآن محمد بن حسان رازی گزارش شده‌اند. وی از ضعفاء بسیار نقل می‌کرد و روایاتش گاه شناخته شده و گاه ناشناخته بودند (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۳۸). رجالیان حسن بن علی بطائنی را نیز به شدت تضعیف کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۴: ۸۲۷/۲). بر این اساس، سند این روایت ضعیف است.

۲-۳-۱۳- تعویذ امام جواد(ع) برای امام هادی(ع)

شیخ طوسی در تعویذهای روز جمعه، گزارش کرده که امام جواد(ع) تعویذی برای امام هادی(ع) که در گهواره بود، نوشته‌اند. در بخش‌هایی از این تعویذ طولانی از چشم انسان‌ها یا جنیان به خدا پناه برده شده است.

«أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي الْمَفْضَلِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْعَلَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَتَبَ هَذِهِ الْوَعْدَةَ لِابْنِهِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ صَبِيٌّ فِي الْمَهْدِ وَكَانَ يُعَوِّذُهُ بِهَا يَوْمًا فَيَوْمًا - بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ... وَبِاللَّهِ أَعُوذُ ... وَمِنْ شَرِّ الدِّيَاهِشِ ... وَمِنْ عَيْنِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ... أُعِيدُ ... مِنْ شَرِّ ... سِحْرِهِمْ وَصَرْبِهِمْ وَعَيْنِهِمْ وَلَمَجِهِمْ وَإِحْيَائِهِمْ وَأَخْلَافِهِمْ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ مِنَ السَّحَرَةِ وَالْغِيلَانِ وَأُمِّ الصَّبَّيَّانِ وَمَا وَلَدُوا ... امام جواد (ع) این تعویذ را برای پسرش امام هادی(ع) هنگامی که در گهواره بود، نوشت و با این دعا هر روز او را تعویذ می‌کرد. بسم الله الرحمن الرحيم ... و به خدا پناه می‌برم ... از شر دیاهش ... و از چشم جن و انس و ... پناه می‌برم ... از شر ... جادویشان و زدنشان و چشمشان و اشاره‌هایشان با چشم و نیرنگ‌هایشان و جانشینانشان و از شر هر چیزی که بدی می‌رساند از ساحران و غولان و ام‌صیان^۱ و آنچه می‌زایند و ...» (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۹۸-۵۰۰؛ راوندی، ۱۴۰۷: ۱۰۳ بدون سند، سید بن طاووس، ۱۴۱۴: ۴۴، مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۷/۸۷).

سند این روایت به واسطه وجود ابوالفضل شیبانی^۲ ضعیف است. عبد الله بن الحسين بن إبراهيم علوی و پدرش نیز ناشناخته هستند (نمازی، ۱۴۱۲: ۵۱۳/۴). در متن موجود از مصباح المتعجل تعبیر «داهش» به کار رفته است؛ ولی کفعمی و مجلسی به صورت «دناهِش» نقل کرده‌اند. «دناهِش یا دِهاهِش» بر اساس جستجوهای نگارنده، تنها در همین دعا و حرز ابی دجان به کار رفته است و کفعمی بدون ذکر منبعی آن را نوعی از جنیان دانسته است و مجلسی تصریح می‌کند که در منابع لغوی این کلمه را نیافته است (رک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۷/۶۰ و ۲۲۳/۸۷). تعبیرهایی مانند «دِهاهِش، غیلان، ام‌الصبيان و ...» اعتماد به روایت را کاهش می‌دهد.

۱. ام‌صیان نوعی بیماری در کودکان است که گاهی موجب غش نیز می‌شود. علت آن را گاهی به برخی ارواح و جنیان منتسب می‌کردند و به فارسی آن را «باد جن» می‌نامیدند (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۶۸/۱، مجلسی، ۱۴۰۰: ۴۴۰/۱۲).
۲. شرح حال و وضعیت رجالی وی در بخش «تعویذ جبرئیل برای چشم حسود» در همین نوشتار بررسی شد.



۲-۳-۱۴- حرز ابودجانه

علامه مجلسی حرز ابودجانه را از حرزهای مشهور برای دفع جن و سحر دانسته است و می‌نویسد: در بعضی از کتاب‌ها این حرز را به این صورت یافتیم. در بخش‌هایی از این حرز طولانی به چشم زخم نیز اشاره شده است.

... وَ أُعِيدُ صَاحِبَ كِتَابِي هَذَا مِنْ كُلِّ عَيْنٍ نَاطِرَةٍ وَ آذَانٍ سَامِعَةٍ وَ أَلْسِنٍ نَاطِقَةٍ، ... وَ عَيْنٍ لَازِمَةٍ ظَاهِرَةٍ وَ بَاطِنَةٍ، ... وَ أُعِيدُهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ عَقْدِهِمْ وَ مَكْرِهِمْ وَ سَلَاحِهِمْ وَ بَرِيقِ أَعْيُنِهِمْ وَ حَرِّ أَجْسَادِهِمْ وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الشَّيَاطِينِ وَ التَّوَابِعِ وَ السَّحَرَةِ ... وَ أُعِيدُهُ مِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ غُولٍ وَ غَوْلَةٍ وَ سَاحِرٍ وَ سَاحِرَةٍ وَ سَاكِنٍ وَ سَاكِنَةٍ وَ تَابِعٍ وَ تَابِعَةٍ وَ مِنْ شَرِّهِمْ وَ شَرِّ آبَائِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ وَ مِنْ شَرِّ الطَّيَّارَاتِ وَ أُعِيدُهُ بِنَا آهِيًا سَرَاهِيًا وَ أُعِيدُ صَاحِبَ كِتَابِي هَذَا مِنْ شَرِّ الدِّيَاهِشِ وَ الْأَبَالِسِ ... وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ سَاحِرَةٍ وَ حَاطِطَةٍ ... وَ أُعَيْنِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ الْمُتَمَرِّدَةِ در پناه (خدا) قرار می‌دهم، صاحب این نوشته را از هر چشم بی‌پناه و گوش شنوا و زبان گویا ... و چشم لازمه ظاهر و باطن ... و در پناه قرار می‌دهم از شر همه گره‌ها و مکرها و سلاح‌ها و برق چشم‌هایشان و گرمای بدنشان و از شر جن و شیاطین و توابع (پیروان) و ساحران ... و در پناه قرار می‌دهم از شر شیاطین و از شر غول و غوله و مرد جادوگر و زن جادوگر و ساکن و ساکنه و تابع و تابعه و از شر آن‌ها و شر پدران‌شان و مادرانشان و از شر پرندگان و پناهش می‌دهم به آهیا شراهیا و پناه می‌دهم صاحب این نوشته را از شر دیاهش و ابلیس‌ها ... و از شر هر چشم جادوگر و خطاکار ... و چشم انس و جنیان سرکش ... (بحار: ۲۲۲/۹۱)

حرز ابودجانه از روایات اهل سنت است، ابن جوزی و بیهقی بر این باورند که متن طولانی این روایت بدون شک ساختگی است و راویان ناشناخته آن را نقل کرده‌اند (ابن جوزی، ۱۳۸۶: ۱۶۹؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۱۲۰/۷). ذهبی آن را از ساخته‌های غلام خلیل دانسته است (ذهبی، ۱۳۸۲: ۴/۴۲۹)، هم‌چنین نک: ابن حجر، ۱۴۱۵: ۳۰۵/۶. تعبیر «عین لازمه» تنها در همین متن آمده است. عبارات و کلماتی مانند: «الدیاهش» «غول و غوله» و تعبیرهایی مانند «آهیا سَرَاهیا» که از عبری وارد شده‌اند (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۳/۵۰۶ و فیروزآبادی، بی‌تا: ۲۸۶/۴) اعتماد به روایت را از بین می‌برند.

۲-۳-۱۵- تعویذ بیمار و نماز درمان لقوه

در کتاب حسین بن عثمان بن شریک، یکی از اصول سته‌عشر، در درمان صداع چنین آمده

است:

«حُسَيْنٌ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي الصَّدَاعِ: أُخْرِجَ عَلَيْكَ يَا حُمَيُّ، أَوْ يَا صُدَاعُ، أَوْ عِرْقُ، أَوْ عَيْنَ إِنْسِي، أَوْ عَيْنَ جَنْ، أَوْ وَجَعَ فَلَانَ بْنِ فَلَانَ، أُخْرِجَ عَلَيْكَم بِاللَّهِ الَّذِي اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَ كَلَّمَ مُوسَى تَكْلِيمًا، وَ رَبِّ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ الَّذِي هُوَ رُوحُهُ وَ كَلِمَتُهُ إِلَّا هَذَا أَنتُمْ وَ طَفِئْتُمْ كَمَا طَفِئَتْ نَارُ إِبْرَاهِيمَ. از امام صادق علیه السلام در درمان سر درد: تو در حرج و تنگنا هستی (و باید بروی یا تو را قسم می دهم که بروی) ^۱ ای تب یا سردرد یا رگ یا چشم انسان یا چشم جن یا درد فلان پسر فلان. تو در حرج و تنگنا هستی (و باید بروی یا تو را قسم می دهم که بروی) به خدایی که ابراهیم را دوست خود گرفت و با موسی سخن گفت و به پروردگار عیسی پسر مریم که او روحش و کلمه‌اش بود (قسم می دهم) که آرام باشید و خاموش باشید، همان‌طور که آتش ابراهیم خاموش شد» (جمعی از مولفین، ۱۳۶۳: ۳۲۴).

سند این روایت به‌خاطر وجود یک راوی ناشناس «عمن ذکره» ضعیف است. این روایت در منابع بعدی انعکاسی نداشته است. اما طب الائمه گزارشی از امام باقر(ع) درباره نحوه تعویذ بیمار نقل می‌کند که بسیار شبیه روایت بالا است.

«أَحْمَدُ بْنُ سَلَمَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَمْرَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْقَضَائِلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا مَرَضَ الرَّجُلُ فَأَرَدْتَ أَنْ تُعَوِّذَهُ فَقُلْ أُخْرِجْ عَلَيْكَ يَا عِرْقُ أَوْ يَا عَيْنَ الْجَنْ أَوْ يَا عَيْنَ الْإِنْسِ أَوْ يَا وَجَعَ فَلَانَ ابْنِ فَلَانَ أُخْرِجْ عَلَيْكَ بِاللَّهِ الَّذِي كَلَّمَ مُوسَى تَكْلِيمًا وَ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ خَلِيلًا وَ رَبِّ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ رُوحَ اللَّهِ وَ كَلِمَتِهِ وَ رَبِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْهَدَاةِ وَ طَفِئَتْ كَمَا طَفِئَتْ نَارُ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. امام باقر(ع) فرمود: وقتی فردی مریض شد و خواستی او را تعویذ کنی (در پناه خدا قرار دهی)، بگو: تو در حرج و تنگنا هستی (و باید بروی یا تو را قسم می دهم که بروی). ای رگ یا ای چشم جن یا چشم انسان یا ای درد به فلان پسر فلان. ^۲ تو در حرج و تنگنا هستی (و باید بروی یا تو را قسم می دهم که بروی) به خدایی که با موسی سخن گفت و ابراهیم را که درود خدا بر او باد، دوست خود گرفت و به پروردگار عیسی پسر مریم روح خدا و کلمه او و به پروردگار محمد و آل محمد که هدایت‌گر هستند، (قسمت می دهم که) خاموش

۱. علت این نوع ترجمه در روایت بعدی توضیح داده شده است.

۲. دو برداشت می‌توان از این تعبیر داشت: اول این که قسمت می‌دهم به فلان پسر فلان که در این صورت دلیل ندارد اسم فرد حذف شود و دوم این که خارج شو و برو به بدن فلان پسر فلان که در این صورت نوعی نفرین است و لازم نیست اسم شخص ذکر شود و به نظر صحیح‌تر است؛ چون در بعضی از روایات و دعاها طبی از بیماری خواسته شده که به بدن افرادی دیگر وارد شود (نک: طبرسی، ۱۳۹۲: ۴۰۰).



باشی، همان طور که آتش ابراهیم خلیل خاموش شد» (ابن بسطام، ۱۴۱۱: ۳۹ به نقل از او: مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰/۹۲).

احمد بن سلمه ناشناخته (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق: ۳۲۴/۱) و سند روایت ضعیف است.

کشی از اسماعیل بن جابر گزارش کرده که مبتلا به بیماری شدم و اعضای صورتم کج شد، وقتی بر امام صادق (ع) وارد شدم فرمود: نزد قبر پیامبر برو، نماز بخوان و این دعا را بخوان:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ، قَالَ حَدَّثَنِي ابْنُ أَوْرَمَةَ، عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ، قَالَ: أَصَابَنِي لَقْوَةٌ فِي وَجْهِي، فَلَمَّا قَدِمْنَا الْمَدِينَةَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ مَا الَّذِي أَرَى يَوْجِهَكَ قَالَ، قُلْتُ فَاسِدَةٌ رِيحٍ، قَالَ، فَقَالَ لِي ابْنُ قَبْرِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَصَلِّ عَنْدَهُ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ صَعَّ يَدَكَ عَلَى وَجْهِكَ ثُمَّ قُلْ: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ هَذَا أَخْرَجَ عَلَيْكَ مِنْ عَيْنِ إِنْسٍ أَوْ عَيْنِ جِنٍّ أَوْ وَجَعَ أَخْرَجَ عَلَيْكَ بِالَّذِي اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَكَلَّمَ مُوسَى تَكْلِيمًا وَخَلَقَ عِيسَى مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ لَمَّا هَدَّاتُ وَطَفِيتُ كَمَا طَفِيتُ نَارُ إِبْرَاهِيمَ أَطْفَأَ بِإِذْنِ اللَّهِ أَطْفَأَ بِإِذْنِ اللَّهِ. قَالَ فَمَا عَاوَدْتُهُ إِلَّا مَرَّتَيْنِ حَتَّى رَجَعَ وَجْهِي، فَمَا عَادَ إِلَيَّ السَّاعَةَ.

اسماعیل بن جابر گوید: مبتلا به لقوه ای در صورتم شدم (گرفتگی عضلات صورت که باعث کج شدن صورت می شود). وقتی به مدینه رسیدم بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، فرمود: این چیست که در صورتت می بینم؟ گفتم: باد فاسدی است. فرمود: نزد قبر پیامبر (ص) برو و دو رکعت نماز بخوان، سپس دستت را بر صورتت قرار بده و بگو: بسم الله و بالله تو در حرج و تنگنا هستی (و باید بروی یا تو را قسم می دهم که بروی) از چشم انسان باشی یا از چشم جن یا درد. تو در حرج و تنگنا هستی (و باید بروی یا تو را قسم می دهم که بروی) به کسی که ابراهیم را دوست خود گرفت و با موسی سخن گفت و عیسی را از روح القدس خلق کرد که آرام بگیری و خاموش شوی، همان طور که آتش ابراهیم خاموش شد. خاموش شو به اذن خدا. گفت دو بار این کار را کردم و (سلامتی) صورتم برگشت و تا این ساعت (بیماری) برنگشته است. (طوسی، ۱۴۰۴: ۴۵۰/۲)

«اخرج عليك» در نسخه بحارالانوار به صورت «اخرج اقسمت عليك» آمده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴/۹۲).

عبارت مجلسی به صورت «اخرج شو تو را قسم دادم» ترجمه می شود؛ اما عبارت «اخرج عليك» به معنای این است که تو را در ضیق و حرج قرار دادم و به تو انداز و هشدار دادم است (مسلم، بی تا: ۴۷/۷ و ابن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۱۷۵/۳) و ناشی از این است که بیماری ها را ناشی از تأثیر عواملی از جن و روح و موجوداتی زنده می دانستند که به صورت باد (ریح) وارد بدن شده و شخص را مبتلا می کرد

و با خواندن این دعاها آن روح یا جن عامل بیماری را مخاطب قرار داده و از او می‌خواستند از بدن خارج شود (نک: طبرسی، ۱۳۹۲: ۴۰۰). محمد بن اورمه متهم به غلو (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۲۹) و عثمان بن عیسی از بزرگان واقفه بود (همان: ۳۰۰). بر این اساس سند روایت صحیح نیست. این گزارش با اندکی اختلاف و بدون ذکر سند تحت عنوان (صلاة للقوة) نقل شده است (طبرسی، ۱۳۹۲: ۳۹۷ و به نقل از او: مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷۳).

۲-۳-۱۶- تعویذ پیامبر (ص) از چشم جن و انس

مجلسی از ابوسعید خدری نقل کرده است که پیامبر برای محافظت از چشم جنیان و انسان‌ها، تعویذهایی استفاده می‌کرد، آن گاه که معوذتین نازل شد، این دو سوره را استفاده کرد و بقیه را ترک کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶۷/۸۹). این روایت از منابع اهل سنت نقل شده است (بیهقی، ۱۴۱۰: ۵۱۱/۲). ذهبی و ابوحاتم رازی برخی راویان حدیث را تضعیف کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۸: ۲۱۰/۲).

۲-۳-۱۷- تعویذ نظر برگردان

در طب الائمه (ع) نقل شده که برای چشم زخم بخش‌هایی از قرآن و ادعیه خوانده می‌شود یا نوشته می‌شود و بر شخص مورد نظر آویخته می‌شود:

«تَقْرَأُ وَ تَكْتُبُ وَ تُعَلِّقُ عَلَيْهِ سُورَةَ الْحَمْدِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ ... بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ عَبَسٍ عَابَسٍ وَ حَبَسٍ حَابَسٍ وَ حَجَرٍ يَابَسٍ وَ مَاءٍ فَارِسٍ وَ شَهَابٍ قَابَسٍ مِنْ نَفْسٍ نَافَسٍ وَ مِنْ عَيْنٍ أَلَعَيْنٍ رَدَدْتُ عَيْنَ أَلَعَيْنٍ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَحَبِّ النَّاسِ إِلَيْهِ فِي كَبِدِهِ وَ كُلِّيَّةِ دَمٍ رَقِيقٍ وَ شَحْمٍ وَسِيقٍ وَ عَظْمٍ دَقِيقٍ فِي مَالِهِ يَلِيقُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ أَلْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَ أَلْسَنَ بِالسِّنِّ وَ أَلْجُرُوحَ قِصَاصٌ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا. می‌خوانی و می‌نویسی و آویزان می‌کنی بر او سوره حمد و معوذتین و توحید و آیه الکرسی و ... به نام خدا عَابَسٍ عَابَسٍ وَ حَبَسٍ حَابَسٍ و سنگ خشک و ماء فارس و شهاب سوزان از نفس نَافَسٍ و از چشم چشم‌زننده. برگرداندم چشم چشم‌زننده را بر او و بر دوست‌داشتنی‌ترین افراد نزد او و به کبد و کلیه او. خون رقیق و چربی تازه و استخوان ظریف و در مالش که شایسته است. بسم الله الرحمن الرحيم و (در تورات) بر آنان مقرر داشتیم که نفس در برابر نفس و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان و هر زخمی را قصاصی است (بخشی از آیه ۴۵ سوره مائده) و خداوند درود فرست بر آقای ما محمد و آلش» (ابن بسطام، ۱۴۱۱: ۱۴۰).



این گزارش بدون انتساب به معصومین و بدون سند نقل شده است. ابتدای دعا آیاتی از قرآن را در بر می‌گیرد که معمولاً برای استشفای بیماران استفاده می‌شود. مانند حمد، توحید، معوذتین، در ادامه دعاهایی با اقتباس از آیات قرآن آمده که بیانگر پناه بردن به خدا و توکل به او و شامل تعبیرهایی مانند «ما شاء الله» و... است که در تعویذها و دعاها دیگر نیز به چشم می‌خورد؛ اما در ادامه این دعا، چشم بد چشم‌زننده به خودش و دوست‌داشتنی‌ترین افرادش، کبد، کلیه و اموالش برگشت داده شده است و در نهایت، به آیه قصاص ختم شده است. گویا قصاص چشم در برابر چشم که در آیه به آن اشاره شده است، در این دعا به قصاص چشم زخم در برابر چشم زخم تبدیل شده است؛ درحالی‌که در قصاص فقط خود شخص قصاص می‌شود نه خانواده و دوستانش.

برخی تعبیرهای به‌کار رفته در این تعویذ تنها در همین تعویذ استفاده شده‌اند یا به‌ندرت در منابع دیگر یافت می‌شوند. مانند «عَبَسَ عَابِسٍ، حَبَسَ حَابِسٍ، مَاءِ فَارِسٍ و...» و معنای صحیح آن‌ها مشخص نیست؛ در صورتی‌که پیش از این در روایتی گذشت که در رقیه و تعویذ باید چیزهایی وجود داشته باشد که معنای آن قابل فهم باشد.

۲-۳-۱۸- تعویذ نظر برگردان طب‌رسی

مکارم الاخلاق بدون ذکر سند و منبع و استناد به معصومین، تعویذی برای چشم زخم نقل کرده است. «اللَّهُمَّ رَبَّ مَطَرٍ حَابِسٍ وَ حَجَرٍ يَابِسٍ وَ لَيْلٍ دَامِسٍ وَ رَطْبٍ وَ يَابِسٍ رُدَّ عَيْنَ الْعَيْنِ عَلَيْهِ فِي كَيْدِهِ وَ نَحْرِهِ وَ مَالِهِ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَ هُوَ حَسِيرٌ. خداوند! ای پروردگار باران حبس شده و سنگ خشک شده و شب تاریک و رطوبت و خشکی، برگردان چشم چشم‌زننده را به خودش و نیرنگش و حیواناتش و اموالش، پس بار دیگر نظر کن، آیا در آسمان شکافی می‌بینی؟ بار دیگر نیز چشم باز کن و بنگر. نگاه تو خسته و درمانده به نزد تو باز خواهد گشت.» (طب‌رسی، ۱۳۹۲: ۴۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۱/۹۲)

این تعویذ به دعاها تعویذ قبلی شباهت دارد؛ هم‌چنین به گزارش نقل شده از منابع سنی برای تعویذ حیوانات نیز شبیه است (ابن قیم، بی‌تا: ۱۳۶، ابن العدیم، ۱۴۰۷: ۴۲۸۲). علاوه بر ذکر ماجراهای عجیب درباره این تعویذها که پذیرش آن را دشوار می‌کند، این گزارش‌ها به پیامبر(ص) نیز منتسب نشده است. هر دو تعویذ با آیه ۴ از سوره ملک به پایان می‌رسد.

«الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ. ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَ هُوَ حَسِيرٌ. آن‌که هفت آسمان طبقه طبقه را بیافرید. در

آفرینش خدای رحمان هیچ خلل و بی‌نظمی نمی‌بینی. پس بار دیگر نظر کن، آیا در آسمان شکافی می‌بینی؟ بار دیگر نیز چشم باز کن و بنگر. نگاه تو خسته و درمانده به نزد تو باز خواهد گشت» (ملک / ۳ و ۴).

در این آیات اشاره شده که اگر در آفرینش خدا به‌دقت بنگری، هیچ خلل و بی‌نظمی نمی‌بینی و نگاه تو خسته و درمانده از یافتن نقصی در خلقت خدا به نزد تو باز خواهد گشت». به نظر می‌رسد بین «برگشت چشم» که در این آیه به آن اشاره شده است و «برگشت چشم زخم و نظر بد» که در تعوید به آن اشاره شده است، ارتباط معنایی لحاظ شده است در حالی که این دو، به دو موضوع متفاوت اشاره دارند.

۲-۳-۱۹ استفاده از مهره‌ها و چشم‌نظرها

یکی از رایج‌ترین روش‌ها برای دفع سوء اثر چشم، استفاده از مهره‌های آبی رنگ، نمادهای چشم، نماد دست و سایر نمادهاست که در نقاط مختلف جهان از جمله سرزمین‌های اسلامی رایج است؛ اما بر اساس جستجوهای نگارنده این موارد پایه و اساس روایی ندارد و بر اساس آنچه گذشت در منابع روایی فارغ از میزان اعتبار روایات، آنچه به‌عنوان راهکارهای جلوگیری یا درمان چشم زخم مطرح شده، بر اساس دعاها و درخواست از خدا، اذکار و یاد خدا و خواندن برخی از سوره‌های قرآن است که محوریت در همه این راهکارها توجه و استمداد از خداست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



جدول وضعیت منابع و سند روایات شیعی مقابله با چشم زخم

ردیف	موضوع روایت	مضمون	قائل	قدیمی ترین منبع شیعی	منبع سنی
۱	جواز رقیه برای چشم زخم	رقیه برای تب، چشم زخم و خونریزی اثر دارد (جایز است)	پیامبر (ص)	خصال با سند ضعیف؛ جعفریات با سند قاضی نعمان بدون سند قضایی	مسند زک حاکم معجم الکبیر شهاب الاخبار قاضی
۲	جواز رقیه برای چشم زخم	رقیه برای چشم زخم و جایز است به شرطی که بداند چه می گوید.	امام صادق (ع)	طب الانمه (ع) با سند ضعیف	
۳	جلوگیری از آسیب رساندن با چشم زخم	تکبیر گفتن یا تیریک گفتن هنگام مشاهده نعمتهای شگفت انگیز	امام صادق (ع)	طب الانمه (ع) با سند ضعیف، مکرم الاخلاق بدون سند	طبرانی، المعجم الکبیر
۴	جلوگیری از آسیب رساندن با چشم زخم	یاد خدا هنگام مشاهده نعمتهای شگفت انگیز	امام صادق (ع)	طب الانمه با سند ضعیف	
۵	جلوگیری از آسیب رساندن با چشم زخم	گفتن «آمنت بالله» هنگام مشاهده نعمتهای شگفت انگیز	امام صادق (ع)	دعائم الاسلام بدون سند	
۶	جلوگیری از چشم زخم	گفتن «ما شاء الله» هنگام احساس خطر چشم	امام صادق (ع)	مکرم الاخلاق بی سند	
۷	جلوگیری از چشم زخم	گفتن «ما شاء الله» هنگام احساس خطر چشم زخم	پیامبر (ص)	مجمع البیان طبرسی بدون سند	احکام القرآن جصاص
۸	جلوگیری از چشم زخم	خواندن معوذتین هنگام خروج از منزل یا ظاهر خوب	امام صادق (ع)	مکرم الاخلاق بدون سند	
۹	درمان چشم زخم با غسل	درمان چشم زخم با غسل	پیامبر (ص)	عوالم الثال بدون سند	صحیح مسلم
۱۰	ابتلای حسنین به چشم زخم	حسین (ع) مبتلا به چشم زخم شدند و چیریل تعویذی به پیامبر آموخت	پیامبر (ص)	المجتبی ابن طاووس بدون سند از سمعانی	الأدبیه المرویه سمعانی، ابن عساکر مسند احمد
۱۱	تعویذ چشم زخم	تعویذ پیامبر (ص) برای حسنین (ع)	پیامبر (ص)	کافی با سند ضعیف	
۱۲	تعویذ چشم زخم	تعویذ پیامبر (ص) برای حسنین (ع)	پیامبر (ص)	صدق با سند صحیح	
۱۳	نماز درمان چشم زخم	نمازی برای درمان بیماری ها که در آن از چشم به خدا پناه برده شده است	پیامبر (ص)	مکرم الاخلاق بدون سند	کنز العمال
۱۴	جلوگیری از چشم زخم	رقعه ای برای جلوگیری از چشم زخم به عطر	امام رضا (ع)	هدایه الکبری با سند ضعیف، شبهه کافی	
۱۵	جلوگیری از چشم زخم	دستور امام رضا (ع) برای تهیه رقیه ای برای جلوگیری از چشم زخم به عطر	امام رضا (ع)	مکرم الاخلاق بی سند	
۱۶	درمان چشم زخم	خواندن حمد و معوذتین برای درمان چشم زخم	امام صادق (ع) از پیامبر (ص)	طب الانمه (ع) با سند ضعیف	
۱۷	درمان چشم زخم	خواندن حمد، توحید و معوذتین	امام رضا (ع)	مکرم الاخلاق بی سند	
۱۸	تعویذ مصونیت از چشم حسود	آموزش دعا به پیامبر (ص) توسط چیریل	پیامبر (ص)	امالی طوسی با سندی سنی ضعیف	صحیح مسلم مسند احمد
۱۹	درمان چشم زخم	درمان چشم زخم با آیه ان ینکاد	حسن بصری	انتساب اشتباه به امام حسن در مصباح کفعمی	معالم التنزیل بغوی
۲۰	جلوگیری از چشم زخم	دعائی برای جلوگیری از چشم زخم هنگام حجامت	امام باقر (ع) یا امام صادق (ع)	معانی الاخبار با سند ضعیف، طب الانمه (ع)، مکرم الاخلاق و فقه الرضا (ع) بی سند	
۲۱	درمان چشم زخم	درمان چشم زخم حیوانات	امام کاظم (ع)	طب الانمه (ع) بدون سند	
۲۲	درمان چشم زخم	دعای درمان چشم زخم حیوانات	امام علی (ع)	بحار الانوار بدون سند از کتابی ناشناخته	بغیه الطلب، ابن العدی
۲۳	درمان چشم زخم	درمان چشم زخم حیوانات با فوت کردن در بیق و خواندن دعائی خاص	زواره	مکرم الاخلاق بدون سند	ابن ابی شیبه از ابن مسعود
۲۴	درمان چشم زخم	تعویذ اسب و سوارکار	نامعلوم	امان الاخبار بدون سند	
۲۵	درمان چشم زخم	درمان چشم زخم با سوره حمد و نوشتن دعائی خاص	نامعلوم	مکرم الاخلاق بدون سند	
۲۶	درمان چشم زخم	دعای درمان چشم زخم به خط ابن علقم	نامعلوم	مصباح کفعمی	
۲۷	دعای امام علی (ع) در صحن	پناه بر خدا از چشم انسانها	امام علی (ع)	مهیج الدعوات از کتاب الدعای سعد بدون سند	
۲۸	تعویذی از چشم جن	مصونیت از چشم، سحر و مکر جنیان یا سوره جن	امام صادق (ع)	ثواب الاعمال با سند ضعیف	
۲۹	تعویذی برای امام هادی (ع)	پناه بردن به خدا از چشم انس و جن در ضمن دعای تعویذ امام هادی (ع)	امام جواد (ع)	مصباح المتهجد با سند ضعیف	
۳۰	حرز ابو دجانه	اشاره به چشم زخم در بخشهایی از حرز	پیامبر (ص)	بحار الانوار از منابع سنی با سند ضعیف	الموضوعات
۳۱	تعویذ بیمار	اشاره به چشم جن و انس در بخشی از تعویذ	امام صادق (ع)	اصول سته عشر با سند ضعیف	
۳۲	تعویذ بیمار	اشاره به چشم جن و انس در بخشی از تعویذ	امام باقر (ع)	طب الانمه (ع) با سند ضعیف	
۳۳	نماز درمان لقوه	اشاره به چشم جن و انس در بخشی از دعای نماز	امام صادق (ع)	رجال کشی با سند ضعیف	
۳۴	تعویذ پیامبر از چشم جن و انس	استفاده از معوذتین برای مقابله با چشم جن و انس	پیامبر (ص)	بحار الانوار بدون سند از منابع سنی	بیهقی، شعب الایمان، ذهبی، المغنی
۳۵	نظر برگردان	برگشتن اثر چشم زخم به صاحب چشم بد	نامعلوم	طب الانمه بدون سند	
۳۶	نظر برگردان	برگشتن اثر چشم زخم به صاحب چشم بد	نامعلوم	مکرم الاخلاق بدون سند	ابن قیم، ابن عدیم

نتیجه گیری

۱. طب الائمه (ع) که به دست عبدالله و حسین بن سabor (حدود ۴۰۱ق) جمع آوری شده، نخستین اثر شیعی است که اهتمام خاصی به ذکر دعاها و روایات مربوط به چشم زخم دارد. این روش توسط طبرسی (قرن ۶) در مکارم الاخلاق، ابن طاووس (۶۶۴ق) و دیگران در منابع دعایی دنبال شد.
۲. شیخ طوسی (۴۶۰ق) برخی روایات مرتبط با موضوع چشم زخم را از طریق ابوالفضل شیبانی از منابع اهل سنت نقل کرد. در دوره های بعد بیشترین تأثیر گذاری از آن خاندان طبرسی است. فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸ق) در مجمع البیان و جوامع الجامع و فرزندش حسن در مکارم الاخلاق، روایات این موضوع را از منابع اهل سنت نقل کردند، مسیری که توسط ابن طاووس و بعدها علامه مجلسی ادامه یافت.
۳. در مجموع ۳۶ روایت و گزارش مربوط به مقابله با چشم زخم در منابع شیعه نقل شده است، از این میان ۱۴ روایت از منابع اهل سنت وارد فرهنگ حدیثی شیعه شده یا مضمون آن‌ها در منابع اهل سنت موجود است.
۴. در طب الائمه بیش از ۱۷ بار روایت‌ها و گزارش‌های مربوط به چشم زخم ذکر شده‌اند که هفت مورد از آن‌ها برای اولین بار در این منبع آمده‌اند و بعداً در منابعی مانند مکارم الاخلاق باز نشر شده‌اند.
۵. در مکارم الاخلاق بیش از ۲۲ روایت درباره چشم زخم و راه درمان آن نقل شده است که بیش از ده مورد آن مربوط به مقابله با چشم زخم است. هفت روایت برای اولین بار و بدون سند در این کتاب آمده است.
۶. از ۳۶ گزارش ارائه شده درباره مقابله با چشم بد، هفت مورد به معصومین منتسب نشده و حدیث نیست. ۱۳ روایت بدون سند، ۱۵ روایت با سند ضعیف و تنها یک روایت با سند صحیح گزارش شده است.
۷. راهکارهای ارائه شده در روایات برای جلوگیری یا درمان اثر چشم بد، مبتنی بر استفاده از دعا و قرآن است که خوانده شده و یا به صورت تعویذ استفاده می‌شود و مواردی مانند استفاده از مهره‌های رنگی، نماد چشم، تصاویر پنجه و... مبنای روایی ندارند.
۸. برای دفع خطرات احتمالی ناشی از چشم زخم، می‌توان از برخی اذکار و دعاهای مأثور که از نظر محتوایی مقبول و در منابع معتبر نقل شده‌اند، استفاده کرد.



فهرست منابع:

- ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). **عوالی اللئالی**. قم: بی نا.
- ابن ابی شیبہ، عبد الله بن محمد. (۱۴۰۹ق). **المصنف**. بیروت: دارالفکر.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۴ش). **النهاية في غريب الحديث**. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ابن بابویه قمی، علی. (۱۴۰۶ق). **فقه الرضا (ع) (منسوب)**. قم: آل البيت (ع).
- ابن بسطام، عبد الله و حسین. (۱۴۱۱ق). **طب الاثمه (ع)**. قم: انتشارات رضی، قم.
- ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی. (۱۳۸۶). **الموضوعات**. مدینه: المكتبة السلفية.
- _____ (۱۴۱۸ق). **كشف المشكل من حديث الصحيحين**. الرياض: دار الوطن للنشر.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۴۱۵ق). **الاصابه في معرفة الصحابة**. بیروت: دار الكتب العلمية.
- ابن حنبل، احمد. (بی تا). **المسند**. بیروت: دار صادر.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (بی تا). **معالم العلماء**. قم: بی نا.
- _____ (۱۳۷۶). **مناقب آل أبي طالب**. نجف: مطبعة الحیدریه.
- ابن عبد البر، یوسف بن عبد الله. (۲۰۰۰م). **الاستذکار**. بیروت: دار الكتب العلمية.
- _____ (۱۳۸۷ق). **التمهید**. مغرب: وزارة الأوقاف.
- ابن عساکر، علی بن حسن. (۱۴۱۵ق). **تاریخ مدینه دمشق**. بیروت: دارالفکر.
- ابن غضائری، احمد بن حسین. (۱۳۸۰ش). **رجال ابن غضائری**. قم: دارالحديث.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). **معجم مقاییس اللغة**. مكتبة الإعلام الإسلامي.
- ابن قیم جوزیه، محمد بن أبی بکر. (بی تا). **الطب النبوی**. بیروت: دار الكتب العلمية.
- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید. (بی تا). **السنن**. بیروت: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ق). **لسان العرب**. قم: نشر ادب الحوزه.
- اتان کلبرک. (۱۳۷۱ش). کتابخانه ابن طاووس؛ ترجمه: قرائی، سید علی و جعفریان، رسول؛ قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
- اثباتی، اسماعیل. (۱۴۰۲ش). «واکاوی مبانی نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَإِنْ يَكَادَ» برای دفع چشم زخم». سال چهاردهم. شماره ۵۵. صص ۱۸۱-۲۱۳.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱ق). **صحيح البخاري**. بیروت: دار الفکر.
- بیهقی، احمد بن حسین. (۱۴۱۰ق). **شعب الایمان**.
- _____ (۱۴۰۵ق). **دلائل النبوه**. بیروت: دار الكتب العلمية.
- _____ (بی تا). **السنن الکبری**. بیروت: دار الفکر.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳ق). **السنن**. بیروت: دارالفکر.
- جصاص، (۱۴۱۵). **أحكام القرآن**. بیروت: دار الكتب العلمية.
- جمعی از مؤلفین. (۱۳۶۳ش). **الاصول الستة عشر**. قم: دارالشبستری.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله. (بی تا). **المستدرک علی الصحيحين**. بیروت: دار المعرفة.

- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). **وسائل الشیعة**. قم: مؤسسه آل البيت(ع).
- خصیصی، حسین بن حمدان. (۱۹۹۱م). **الهدایة الكبرى**. بیروت: مؤسسة البلاغ.
- ذهبی، شمس الدین. (۱۴۱۳ق). **سیر اعلام النبلاء**. بیروت: مؤسسه الرساله.
- _____ (۱۴۱۸). **المغنی فی الضعفاء**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- _____ (۱۳۸۲). **میزان الاعتدال**. تحقیق: علی محمد البجاولی. بیروت: دار المعرفه.
- الزحیلی، وهبه. (۱۴۲۷). **التفسیر الوسیط**. بیروت: دار الفکر.
- سعدی، مصلح الدین بن عبدالله. (۱۳۵۹ش). **بوستان سعدی**. تصحیح: غلام حسین یوسفی. تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی.
- سید بن طاوس. (۱۴۰۹ق). **الأمان من أخطار الاسفار و الزمان**. قم: آل البيت(ع).
- _____ (۱۴۱۲). **المجتبی من دعاء المجتبی**. مشهد: بی نا.
- _____ (۱۴۱۴ق). **مهج الدعوات و منهج العبادات**. بیروت: مؤسسه اعلمی.
- حربی، ابراهیم بن اسحاق. (۱۴۰۵ق). **غریب الحدیث**. جده. دار المدینه.
- حلّی، یوسف بن مطهر. (۱۴۱۷). **خلاصة الاقوال**. قم: نشر الفقاهه.
- حلیمی جلودار، حبیب الله و قربانی لا کتراشانی، فاطمه. (۱۳۹۹ش). «اعتبارسنجی روایت حسن بصری در کارآمدی آیه و ان یکاد در دفع چشم زخم». حدیث پژوهی. بهار و تابستان ۱۳۹۹. صص ۷۵-۹۸.
- صالحی شامی، محمد بن یوسف. (۱۴۱۴ق). **سبل الهدی و الرشاد**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۶۸ش). **ثواب الاعمال**. قم. شریف رضی.
- _____ (۱۳۶۲). **الخصال**. تصحیح: علی اکبر غفاری.
- _____ (۱۳۶۱ش). **معانی الاخبار**. قم: انتشارات اسلامی.
- _____ (بی تا). **من لا یحضره الفقیه**. قم: نشر اسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین. (بی تا). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: انتشارات اسلامی.
- طبرانی، (بی تا). **المعجم الكبير**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۹۲ق). **مکرم الاخلاق، منشورات الشریف الرضی**.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵ق). **مجمع البیان**. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- _____ (۱۴۱۸). **جوامع الجامع**. قم: انتشارات اسلامیتوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۴). **اختیار معرفة الرجال** قم: مؤسسه آل البيت(ع)
- _____ (۱۴۱۴ق). **امالی**. قم: دار الثقافه.
- _____ (۱۴۰۹ق). **النبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۴۱۵) **رجال**. قم: نشر اسلامی.
- _____ الف (۱۴۱۷ق). **العهده فی اصول الفقه**. قم: تیزهوش.
- _____ ب (۱۴۱۷ق). **الفهرست**. قم: نشر الفقاهه.



- (۱۴۱۱ق). مصباح المتهجد. بیروت.
- عبدالرحمن عبدالمنعم، محمود. (بی تا). معجم المصطلحات والألفاظ الفقهية. قاهره: دار الفضيلة.
- عقیلی حلبی (ابن العدیم)، عمر بن احمد. (۱۴۰۷ق). بغیه الطلب فی تاریخ حلب. دمشق.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (بی تا). تفسیر کبیر رازی (مفاتیح الغیب). بی جا: بی تا.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب. (بی تا). القاموس المحيط. بیروت: دارالعلم.
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۷). الدعوات (سلوه الحزین). قم: مدرسة الإمام المهدي (ع).
- قاضی نعمان مغربی، نعمان بن محمد. (۱۹۶۳م). دعائم الاسلام. قاهره: دارالمعارف.
- (۱۴۱۴ق). شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الأطهار. قم: نشر اسلامی.
- کریمیان، محمود (۱۳۹۵ش). «حدیث «الاعدوی»: انتساب ومفهوم شناسی». فصل نامه علوم حدیث، دوره ۲۱، شماره ۷۹.
- کفعمی (۱۴۰۳ق). ابراهیم بن علی. جنة الأمان (المصباح). بیروت: موسسه اعلمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳ش). الکافی. تهران: اسلامیة.
- مالک بن انس. (۱۴۰۶ق). الموطا. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- متقی هندی، علاء الدین علی. (۱۴۰۹). کنز العمال. بیروت: موسسه الرساله.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: الوفاء.
- (۱۴۰۰ق). مرآة العقول. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مسلم بن حجاج. (بی تا). صحیح مسلم. بیروت: دارالفکر.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۱۷ق). التحقيق في كلمات القرآن الكريم. تهران: مؤسسة الطباعة والنشر وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي.
- ملاحسنی، علی رضا. (۱۳۹۰ش). چشم زخم در قرآن، روایات، تاریخ و فرهنگ. قم: بوستان کتاب.
- ملا صالح مازندرانی، محمد. (۱۴۲۱ق). شرح اصول الکافی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. بیروت: آل البيت عليهم السلام.
- نجاشی احمد بن علی. (۱۴۱۶). رجال النجاشی. قم: انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۵ش). جواهر الکلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نمازی شاهرودی، علی. (۱۴۱۲). مستدرکات علم رجال الحديث. ابن مؤلف.
- وسترمارک، ادوارد. (۱۳۹۶ش). بازمانده هایی از فرهنگ دوران جاهلی در تمدن اسلامی. مترجم: بلوکباشی، علی. تهران: فرهنگ جاوید.
- هیشمی، نور الدین علی بن ابی بکر. (۱۴۰۸ق). مجمع الزوائد ومنبع الفوائد. بیروت: دارالکتب العلمیه